

Political Consequences of the Expansion of Small Enterprises in Iran, Case Study of the Ninth Government of the Islamic Republic of Iran (2005 to 2009)

Gholamreza Khajehsarvi

Professor, Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Mohammad Tangestaninejhad* 

Faculty Member, Political Sciences, Payam Noor, Tehran, Iran

Abstract

This study seeks to analyze, with a qualitative method and thematic analysis, the political behavior of individuals in a social unit in response to the economic behavior of the State. Governments, as influential institutions, communicate with individuals, families, and society. Any strategy by these political units implies a response from other external spheres. People in society often react to the behavior of governments, especially in the economic sphere. Especially if this government interferes with normative implications such as justice. The economic activities of governments are essentially aimed at promoting justice. According to the findings, The Gini coefficient decreases in areas where financial resources have been driven. Considering the decrease in the Gini coefficient in rural areas in the time period mentioned and increasing equality and justice in these areas, a kind of political action took place in the form of political mobilization that emerged as social capital for the established state. This representation, especially in the 10th Presidential Election, has been identified as the result of this socialization and promotion of social capital as a political and objective consequence of the expansion of small enterprises in rural areas.

Keywords: Political Mobilization, Small and Average Enterprises, Elections, Ninth Government, Participation.


* Corresponding Author: omid_tan@yahoo.com

How to Cite: Khajehsarvi, Gh., Tangestaninejhad, M., (2022), "Political Consequences of the Expansion of Small Enterprises in Iran, Case Study of the Ninth Government of the Islamic Republic of Iran (2005 to 2009)", *Political Strategic Studies*, 11(41), 9-49. doi: 10.22054/QPSS.2021.36101.2130.

پیامدهای سیاسی گسترش بنگاه‌های اقتصادی زودبازده در ایران؛ مطالعه موردی دولت نهم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸)

غلامرضا خواجه‌سروی

استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

محمد تنگستانی نژاد * 

عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش با روشی کیفی و انجام تحلیل تماتیک (مضمونی) به دنبال تحلیل رفتار سیاسی افراد یک واحد اجتماعی در واکنش به رفتار اقتصادی دولت است. دولت‌ها بعنوان نهادهایی تأثیرگذار با افراد، خانواده‌ها و جامعه ارتباط برقرار می‌کنند. هر راهبردی از سوی این واحدهای سیاسی، متضمن پاسخ از طرف دیگر حوزه‌های بیرونی است. افراد جامعه معمولاً به رفتار دولت‌ها بخصوص در حوزه اقتصادی واکنش نشان می‌دهند. بویژه اگر این دخالت دولت، واجد دلالت‌های هنجارین مانند عدالت باشد. اساساً فعالیت‌های اقتصادی دولت‌ها با هدف بسط عدالت است. دولت نهم فعالیت گسترش بنگاه‌های زودبازده را به منظور گسترش عدالت انجام داد. طبق یافته‌ها ضریب جینی در مناطقی که منابع مالی هدایت شده‌اند، کاهش پیدا می‌کند. دولت نهم در شروع کار خود سعی در توجه بیشتر به مناطق روستایی داشت. با توجه به کاهش ضریب جینی و افزایش احساس برابری در این مناطق، نوعی کنش سیاسی در قالب اجتماع‌سازی و بسیج سیاسی رخ داد که بعنوان سرمایه‌ای اجتماعی برای دولت نمایان شد. این بازنمایی بویژه در انتخابات ریاست جمهوری دولت دهم بعنوان ماحصل این اجتماع‌سازی و ارتقای سرمایه اجتماعی بعنوان پیامد سیاسی گسترش بنگاه‌های کوچک در مناطق روستایی شناسایی شده است.

واژگان کلیدی: بسیج سیاسی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، انتخابات، دولت نهم، مشارکت.

مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم و موازی با رشد اقتصادی سریع در کشورهای غربی، بسیاری از اندیشمندان مانند جیمز میچلی^۱ بر این باور بودند که صرف رشد اقتصادی منجر به توسعه یافتگی نمی‌شود و تا مادامی که سویه‌های اجتماعی رشد اقتصادی در قالب توسعه اجتماعی مطرح نظر قرار نگیرند، گزاره‌های کمی اقتصادی نمی‌توانند به تنهایی موجب توسعه یافتگی یک کشور تلقی شوند. یکی از سویه‌های اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی، بنگاه‌های کوچک و متوسط است. در واقع هدف از این بنگاه‌ها توسعه اقتصادی از پایین به بالا و اجتماع محور است. این بنگاه‌ها طبق تجربیات جهانی با هدف بسط مشارکت افراد فقیر، زنان و دیگر افراد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با حمایت نهاد دولت شکل گرفته‌اند.

اگر در جامعه‌ای فعالیت‌های اقتصادی دولت و بازار منجر به تغییراتی در بنیادهای هنجارین جامعه مانند موضوع عدالت شود، بی‌تردید فعالیت‌های اقتصادی واجد پیامدهایی سیاسی خواهند بود. در کنار اهمیت این بنگاه‌ها، پیامدهای خواسته و ناخواسته‌ای است که می‌تواند منبث از هر سیاستی باشد؛ بویژه که آن سیاست دارای سویه‌های اقتصادی نیز باشد. بدیهی است که اجرای سیاست بنگاه‌های زودبازده در ایران در دولت نهم یکی از رویکردهای اقتصادی قابل توجهی بود که با توجه به ابعاد، زمینه‌ها و دربرگیری گسترده‌ای که این طرح داشت، مستعد انواع پیامدهای گوناگون بویژه از حیث سیاسی بود. به تعبیر دیگر، اجرای سیاستی اقتصادی بطور حتم واجد انواع پیامدهای اقتصادی دیگری خواهد بود؛ بعنوان مثال کنترل حجم نقدینگی یا افزایش آن می‌تواند منجر به کنش‌های اقتصادی دیگری نیز شوند اما نمی‌توان گفت که این کنش‌ها الزاماً جهت‌گیری اقتصادی خواهند گرفت.

بیشتر انگاره‌های مطرح شده در مورد بنگاه‌های زودبازده در این بازه زمانی، دارای منطبق اقتصادی‌اند و تالی‌های مستقیم این فعالیت اقتصادی در فرماسیونی اقتصادی ظهور کرده است. پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی در گزارش‌های راهبردی خود، بنگاه‌های زودبازده را در دولت‌های نهم و دهم از حیث تولید شغل بررسی کرده است (بی‌نام، ۱۳۹۴). وحدت و داداشی نیز در مقاله‌ای (۱۳۸۹: ۱۹-۲۷) بنگاه‌های

1. James Midgley

زودبازده را از زاویه مسئله اشتغال مورد تأمل قرار داده‌اند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (بی‌نام، ۱۳۸۶) نیز این بنگاه‌ها را از حیث اشتغال و کارآفرینی در دولت نهم بررسی کرده است. در عین حال مسئله اصلی پژوهش علاوه بر کنش‌های اقتصادی، مسئله پیامدهای سیاسی هست. همچنان که در متدولوژی پژوهش نیز خواهد آمد، تلفیق بین گزاره‌های اقتصادی از منظر نهادی و گزاره‌های سیاسی از منظر بسیج، نوآوری این پژوهش خواهد بود. به این صورت که شناخت قشرهای مختلف اجتماعی و تغییر ساختاری در این اقشار به مثابه ارکان جامعه‌شناسی سیاسی از زاویه ارائه برنامه‌های اقتصادی فراگیر، می‌تواند کنش‌های سیاسی را نیز بیدار کند. در این مقاله گزاره‌های عینی بررسی می‌شوند تا از این رهگذر پیامد سیاسی بسیج سیاسی و مشارکت گسترده افراد بعنوان خروجی و برون‌داد اجرای بنگاه‌های زودبازده روشن شود.

سوال پژوهش

پرسش مقاله ناظر بر چگونگی ارتباط بین کنش اقتصادی اجرای بنگاه‌های زودبازده توسط دولت نهم از یک سو و پیامدهای سیاسی مترتب بر آن از سوی دیگر است، اینکه آیا ارتباطی بین این دو متغیر وجود دارد یا خیر و دلالت‌های آن کدامند؟

فرضیه

آنچه که بعنوان فرضیه در این پژوهش مورد تأمل خواهد بود اینکه گسترش بنگاه‌های زودبازده در دولت نهم منجر به کاهش ضریب جینی و افزایش احساس برابری و عدالت در مناطق روستایی شد. پیامد سیاسی؛ کنش اقتصادی، بسیج سیاسی مردم و افزایش مشارکت آنها در انتخابات دور دهم ریاست جمهوری بود.

مبانی نظری پژوهش

الف- نظریه هنجاری

در مورد نظریه هنجاری بحث‌های متفاوتی ارائه شده است. این نظریه دارای ریشه‌های طولانی است و در غرب به یونان قدیم و در شرق از میان دیگر منابع به فلسفه کنفیوسی و هندو برمی‌گردد. از آنجاییکه سیاست درباره اداره ترتیبات عمومی مجموعه‌ای از مردمان است که شانس یا انتخاب، آنان را گرد هم آورده است. پس به نظر می‌رسد

نظریه‌پردازی هنجاری کاملاً طبیعی باشد؛ بدین معنا که نظریه هنجاری، شیوه‌ای برای آغاز توجه عالمانه به فرآیند «اداره ترتیبات» خودمان است. اما ایده یک عرصه مجزای فعالیت نظری که به طور انحصاری به «چیزی که باید باشد»، اختصاص داشته باشد، در محافل دانشگاهی با پذیرش همگانی روبرو نشده است. بعضی از منتقدان نمی‌پذیرند که کارگزاران انسانی بتوانند به اجرای انتخاب اخلاقی معنادار بپردازند. دیگران در این مورد که قضایای اخلاقی بتوانند با معنا باشند یا به نحو منطقی از واقعیت‌های موجود در جهان مشتق شده باشند، تردید نموده‌اند (مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۵۰).

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که نظریه هنجاری، بخشی از فلسفه اخلاق بوده و هدف آن بکارگیری گزاره‌های اخلاقی در زندگی آدمیان بوده است. حال اگر سیاست را بخشی از زندگی آدمی دانست، می‌توان از نوعی نظریه سیاسی هنجاری سخن گفت که هدف آن بکارگیری گزاره‌های اخلاقی در زندگی سیاسی و مقولات سیاسی نظیر دولت، نهادهای سیاسی، آزادی و عدالت سیاسی است. از یک منظر مشابه می‌توان گفت نظریه سیاسی هنجاری بجای «آن چه هست» می‌خواهد «آنچه باید باشد» را جایگزین کند. به همین دلیل شناسایی مبدأ و مقصد در اینجا حائز اهمیت است. انسان و یا دولت چه ویژگی‌هایی دارد و با کدام توانایی‌ها بسوی ویژگی‌های بهتر و برتر حرکت می‌کند؟ از طرف دیگر کدام هنجارها موتور محرکه این حرکت محسوب می‌شوند؟ و منشأ و مبدأ آنها کجاست؟ نظریه‌های هنجاری سیاسی با طرح این پرسش‌ها در حوزه سیاست کار خود را آغاز می‌کند (قهرمان‌پور، ۱۳۸۲: ۷۲-۷۱). [پس از جنگ جهانی دوم] فلسفه مسلط این دوران، تحلیل زبان‌شناختی و تأکید بر لزوم روشن نمودن بحث‌های سیاسی اخلاقی گذشته بود و در این فضا است که احیای مجدد مفاهیم اخلاقی - هنجاری در فلسفه سیاسی رالز با طرح نظریه‌ای در باب عدالت صورت می‌پذیرد و در دهه ۱۹۷۰ حیاتی نو به نظریه‌پردازی لیبرال می‌بخشد.

اندیشه و نگاه رالز به مفهوم عدالت تأثیر بسیاری از یکسو بر اندیشمندان و نظریه‌پردازان مفهوم عدالت گذاشت و از سوی دیگر مورد توجه بسیاری از سیاستمداران لیبرال در آمریکا و انگلیس قرار گرفت و ضمن احیای مفاهیم هنجاری در سنت فلسفه سیاسی غرب تمرکز بیشتری را معطوف به فردگرایی و نقد مکتب اصالت فایده یا فایده‌گرایی کرد بصورتی که تحولی در مبحث فلسفه سیاسی را رقم زد (توحیدفام،

۹۹-۱۳۹۱:۱۰۰). بسیاری از مباحثات هنجاری بر این بستر تحلیل می‌یابند که زمینه‌های اخلاقی به منظور دخالت دولت برای فراهم نمودن فرصت‌های برابر و یا بازتوزیع آن فرصت‌ها وجود دارند. البته اهمیت این دخالت توسط دولت بعنوان یک نهاد عالی فارغ از چالش‌های بحث‌برانگیزی است که میان اندیشمندان این حوزه توسط دورکین، گوپرت، والزر و ... در گرفته است.

به تعبیر دیگر در نگاه اخلاقی ممکن است چند طیف گوناگون، گونه‌ای از معرفت‌شناسی را مطرح کنند که صرفاً در حوزه نظری متوقف می‌شوند هر چند ممکن است تبعات راهبردی خاص خود را نیز داشته باشند. بعنوان مثال این نگاه هنجاری چون با استراتژی عمل همراه است و لایه‌های گوناگون عملی را تعریف می‌کند و دولت را در موازات نهادهای مدنی دیگر و خانواده، بازار و انجمن‌های قوی مردمی قرار می‌دهد مشکل نگاهی که مثلاً از طرف امثال رابرت نوزیک، هایک و دیگران در تهدید حدود آزادی فرد بیان می‌شود را نداشته و یا کمتر در این دام نظری- معرفتی می‌افتد. جیمز میجلی یک رهیافت هنجاری را بعنوان متدولوژی پژوهش در پیش می‌گیرد و سپس از ابزارهایی همچون نهادها و ساختارها در تحلیل چگونگی دستیابی به اهداف توسعه اجتماعی فراگیر در چارچوبی بنام «ساختارگرایی نهادی» استفاده می‌کند.

میجلی اشاره دارد که فرآیند توسعه اجتماعی صرفاً مبتنی بر دستورالعمل‌های فنی و عینی و ملموس نیست بلکه انعکاس ارزش‌ها و باورهای ایدئولوژیک نیز در یک مدلی از کارگزاران مختلف و راهبردهای عملی به منظور توسعه اجتماعی نقش مهمی دارند (Midgley, 2015: 54). نظریه هنجاری از این منظر به ما در شناخت رویکرد نهادی (دخالت نهاد دولت) در اتخاذ کنش‌های سیاسی (مفهوم عدالت) که می‌تواند منبعث از هر فعالیت اقتصادی (در اینجا بنگاه‌های زودبازده) باشد کمک کند.

ب- ساختارگرایی نهادی

میجلی اشاره می‌کند امکان مفصل‌بندی چشم‌انداز هنجاری از این نوع در مورد ساختارگرایی نهادی وجود دارد و می‌نویسد:

«آنچه که به عنوان رویکرد ساختارگرایی نهادی شناخته می‌شود، بر نقش دولت‌های پیشرو و فعال که متعهد به حل آنچه که مشکلات ساختاری توسعه معوج و انحراف یافته و ارتقاء رفاه اجتماعی شهروندانش است، تأکید دارد. اگر چه این یک هدف چالش‌برانگیز است، اما در دسترس نیز هست» (Midgley, 2015: 61).

در ادامه می‌جلی بحث مربوط به ساختارگرایی نهادی را ذیل رویکرد هنجاری توسعه و تعمیق می‌دهد و بر این موضوع تأکید می‌کند که این رویکرد مشکلات ساختاری توسعه معوج در بسیاری از کشورها را بوسیله تهیه یک چارچوب جامع مبتنی بر عمل و پراکسیس بیان می‌کند. در این رویکرد بسیج نهادها و کارگران اجتماعی متکثر اهمیت دارند. این عمل در یک چارچوب سیاسی مشارکتی گسترده بر مبنای همکاری و اجماع صورت می‌پذیرد. رویکرد ساختارگرایی نهادی دارای جنبه‌های متفاوت است. بخشی از این تفاوت‌ها بازخوردهایی است که دیدگاه‌های هنجاری متفاوت نشان می‌دهد. هدف ساختارگرایی نهادی، اتخاذ ترتیباتی برای نیل به هدف‌های دولت‌ها بویژه درباره انگاره‌های اقتصادی - سیاسی است.

برای رسیدن به این هدف، ساختارگرایی نهادی به منظور اجرای دستور کار توسعه اجتماعی بر نهادهای اجتماعی مختلفی متکی است که به دنبال بسیج آنها و گروه‌ها و انجمن‌هایی هستند که آنها را نمایندگی می‌کنند. در این تفسیر؛ دولت با نظارت، هدایت و فراهم ساختن توسعه اجتماعی نقش کلیدی ایفا می‌کند. این رویکرد شامل تطابق و همسوئی با نگاه دولت‌محور است و درون آن نوعی تکثرگرایی نهفته است. درون این تکثرگرایی این استدلال وجود دارد که بهترین راه برای بسیج گروه‌های مختلف، انجمن‌های مدنی و راهبردهای عملی مختلف توجه به همین رویکرد ساختارگرایی نهادی است. برای رسیدن به این هدف، روابط سازمانی و متقابل بین جامعه مدنی، خانواده‌ها و شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری و اقتصادی باید ایجاد شود. در این چارچوب تکثرگرایانه، یک دولت پیشرو و فعال پاسخگو و مسئول است و توسط نهادهای مختلف محدود می‌شود و نیروها و بازیگران دیگر نیز می‌توانند از منابع و قدرت خود برای ترویج و ارتقای عدالت اجتماعی برای همه استفاده کنند. ساختارگرایی نهادی عملکردهای خود را در دستیابی به پیشرفت اجتماعی از دو روش زیر به رسمیت می‌شناسد:

الف - بسیج کارگران مختلف و اتخاذ راهبردهای عملی

ب- دولت فعال و پیشرو که از قدرت خود برای هدایت توسعه اجتماعی استفاده کند (Midgley, 2015: 67).

در واقع ساختارگرایی نهادی بعنوان مبنایی نظری برگرفته از دیدگاه جیمز میجلی ضمن تأکید بر ساختارها و روابط سازمانی آنها با افراد، خانواده‌ها و جامعه برای انجام کنش‌های بیرونی مانند افزایش مشارکت و بسیج سیاسی، محور اصلی فعالیت را بر عهده نهاد دولت می‌داند.

پ- بسیج سیاسی

چارلز تیلی از مهمترین نظریه‌پردازان است که در مورد بسیج سیاسی مباحث مستوفایی طرح کرده است. از نظر تیلی مشکل اصلی انقلاب‌ها، مشکل متدولوژیک است زیرا تعریف بسیاری از انقلاب‌ها ناظر به نتیجه است. بدین معنا که باید منتظر وقوع انقلاب شد و تنها پس از رخداد انقلاب است که با عطف توجه به گذشته، امکان تبیین و تحلیل آن وجود دارد. بنابراین مشکل اساسی این است که نام این پروسه را چه باید گذاشت و چگونه آن را تحلیل کرد؟ مشکل بعدی این است که همواره تبیین‌ها و تحلیل‌ها میان تبیین‌های ساختاری و غیرساختاری (فردی) در نوسان هستند. گروهی ساختارها را عامل انقلاب دانسته و گروهی افراد را. از نظر تیلی تلفیق این دو مهم است، چراکه تبیینی مناسب است که هم به ساختارها توجه داشته باشد و هم به داوطلبی بودن حرکت‌های فردی. از آنجا که تیلی بر عامل اراده تأکید دارد، سعی می‌کند ساختارها را با انتخاب آزاد افراد تلفیق کند و به همین جهت روش او در تقابل با روش جامعه‌توده‌وار قرار می‌گیرد زیرا آنها نقش اراده را نادیده می‌گیرند. در واقع مدل تیلی در مقابل سنت دهه شصت قرار داشت که تحت عنوان رفتار جمعی نام‌گذاری شده بود. تیلی در پارادایم بسیج منابع، اقدام جمعی را که در بطن خود مفهوم اراده را نهفته دارد مطرح می‌کند (احمدوند، ۱۳۸۸: ۱۱).

بنابراین سه حوزه نظری در این پژوهش مورد توجه بوده است: نظریه هنجاری، ساختارگرایی نهادی و بسیج سیاسی. بنظر می‌رسد مفاهیم هنجاری می‌توانند با تغییر کنش‌های فردی و جمعی و ایجاد بسترهای مناسب با محوریت نهاد دولت و ایجاد رابطه ساختاری بین این نهاد و نهاد بازار؛ افراد، خانواده‌ها و جامعه بویژه اقشار کمتر برخوردار، زمینه بسیج سیاسی را فراهم آورند.

شکل ۱: شمای چارچوب نظری
نظریه هنجاری (عدالت و احساس عدالت)



ت- روش تحقیق

همانگونه که سابقه پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد، شاخص‌ها و عوامل مؤثر بر توسعه اجتماعی در زمینه‌ها و سطوح تحلیل متفاوت تنوع زیادی دارند. از این رو انتخاب رویکرد کمی به این پژوهش ممکن است باعث کاهش عوامل تحت جستجو و یا حتی نادیده ماندن آنها شود، چرا که ساخت چارچوب‌های نظری در این رویکرد که مقدمه طرح فرضیه‌هاست، پژوهش را در قالب‌هایی قرار می‌دهد که انعطاف لازم را برای برخورد با وضعیت جدید ندارند. «پژوهشگران کیفی مایلند بدانند که افراد چگونه تجربه‌های خود را تفسیر می‌کنند، جهان خود را چگونه می‌سازند و به تجربه‌های خود چه معنایی می‌دهند. بعنوان مثال بجای مطالعه افراد بازنشسته از طریق یک پژوهش پیمایشی برای یافتن درصد و ویژگی‌های کسانی که بعد از بازنشستگی شغل نیمه‌وقت می‌گیرند، ممکن است به مسائلی مانند چگونگی هماهنگ شدن افراد با بازنشستگی، نظر افراد درباره این مرحله از زندگی و فرآیند انتقال از کار تمام‌وقت به بازنشستگی علاقمند باشند. این پرسش‌ها درباره فهمیدن تجربه‌های افراد هستند و به طرح کیفی نیاز دارند» (میرپام و تیسدل، ۱۳۹۸: ۱۸).

در این پژوهش نیز از طریق مصاحبه با افراد مختلف درصدد فهم تجربه آنها از فرضیه این پژوهش هستیم. در این تحقیق برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته^۱ با تاکید بر رویکردی اکتشافی استفاده شده است. در این مصاحبه‌ها سوالات معمولاً انعطاف‌پذیرند و به گونه‌ای پیش می‌روند که دنیای معانی کشف شوند. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل تماتیک یا تحلیل مضمونی استفاده می‌شود. تحلیل تماتیک یا تحلیل مضمون از جمله روش‌هایی است که محقق با استفاده از آن می‌تواند به تحلیل داده‌های کیفی بپردازد. بطور کلی تحلیل تماتیک بعد از جمع‌آوری داده‌ها شامل هشت مرحله است که عبارتند از: غوطه‌وری یا آشناسازی، آرایش داده‌ها، کدگذاری داده‌ها، ساخت مقولات، تم‌ها، طبقه‌بندی، ساخت نظری و گزارش نویسی.

یافته‌های پژوهش

الف- بنگاه‌های کوچک و متوسط

امروزه بنگاه‌های کوچک مالی یکی از مردمی‌ترین راهبردهای عملی توسعه اجتماعی محسوب می‌شود. این بنگاه‌ها عمدتاً به دلیل فعالیت بانک گرامین^۲ در بنگلادش شکل گرفتند که توسط محمد یونس^۳ تأسیس شد. او و بانک گرامین در سال ۲۰۰۶ موفق به دریافت جایزه صلح نوبل شدند و عملاً زمینه مطرح شدن فعالیت‌های او در مقیاس بین‌المللی بیش از پیش فراهم شد. سایت جایزه نوبل^۴ دلیل این اقدام را تلاش‌های محمد یونس و بانک گرامین برای ایجاد توسعه اقتصادی و اجتماعی از پایین دانست. اگرچه پیش از تأسیس گرامین بانک بنگاه‌های کوچک وجود داشتند، پروفیسور یونس توجه رسانه‌ها و عموم مردم را به این موضوع جلب کرد و این ایده را مطرح کرد که شرکت‌های کوچک یک راه موثر برای مقابله با فقر در کشورهای کمتر توسعه یافته هستند. از آن به بعد استراتژی بنگاه‌های کوچک در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و به طور فزاینده‌ای در کشورهای غربی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. بنگاه‌های کوچک، کسب و کارهای کوچکی هستند که توسط افراد با درآمد کمتر عملیاتی

-
1. Semi-Strucured Interviewing
 2. Grameen Bank
 3. Muhammad Yunus
 4. www.nobelprize.org

می‌شوند اما برخلاف سایر شرکت‌های کوچک، آنها بوسیله سازمان‌های حمایتی مانند بانک گرامین، موسسات مذهبی و غیردولتی، تعاونی‌ها و سازمان‌های دولتی که مشاوره‌های فنی و وام برای راه‌اندازی ارائه می‌دهند، حمایت می‌شوند. با تأمین بودجه و پشتیبانی فنی شروع به کار، بنگاه‌های کوچک در قالب شکلی از سرمایه‌گذاری اجتماعی فرصت‌هایی را برای افراد غیربرخوردار به منظور مشارکت در فرآیند توسعه فراهم می‌نمایند. این حوزه عمل با ترکیبی از آنچه که معمولاً بعنوان یک فعالیت اقتصادی با مداخلات اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و همچنین به دلیل نقش آن در کاهش فقر، اغلب با برنامه توسعه اجتماعی مرتبط است (Midgley, 2015: 140).

لیورمور^۱ گزارش می‌دهد که گسترش بنگاه‌های کوچک نیز توسط دولت ایالات متحده و سازمان‌های توسعه بین‌المللی نظیر بانک جهانی ترویج شده است. آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده^۲ (USAID) در ابتدای دهه ۱۹۷۰ در بحث بنگاه‌های کوچک درگیر شد و آن زمان هنگامی است که برنامه سرمایه‌گذاری در بخش سرمایه‌های کوچک^۳ (PISCES) شروع به ارزیابی پتانسیل بنگاه‌های کوچک کرد (Livermor, 1996: 42). از آن به بعد این آژانس به طور فعال بنگاه‌های کوچک و حمایت‌های مالی خرد را در کشورهای کمتر برخوردار ارتقا داده است. امید شرکت کنندگان در نشست موسسات خرد مالی در سال ۱۹۹۷ این بود که وام‌دهندگان تجاری در این حوزه یعنی مشارکت در تأسیس بنگاه‌های کوچک مالی در سال‌های اولیه قرن بیست و یکم جذب این مدل از سرمایه‌گذاری خواهند شد. این امید بیشتر نیز در مورد سازمان‌های غیرانتفاعی و غیردولتی محل بحث بود.

میلفرد باتمن^۴ در کتاب «چرا مایکروفاینانس‌ها جواب نمی‌دهد: خیزش نابودگر نئولیبرالیسم محلی»^۵ گزارش می‌دهد که یکی از اولین گروه‌های غیرانتفاعی در بولیوی به نام PRODEM بود که فعالیت‌های مربوط به وام‌دهی خود را به یک بانک جدید برای سودآوری به نام BancoSol انتقال داد که به نوبه خود توسط یک بانک بزرگ تجاری در سال ۲۰۰۷ خریداری شد. این انتقال توسط USAID با کمک فنی سازمان بین‌المللی

1. Livermore
2. United States Agency for International Development
3. Small Capital Enterprise Sector
4. Milford Bateman
5. Why Doesn't Microfinance Work: The Destructive Rise of Local Neoliberalism

غیرانتفاعی ACCION^۱ پشتیبانی شد و تشویق به تجاری‌سازی در این زمینه داشت که این امر انتشار سریع مایکروفاینانس‌ها را تسهیل می‌کرد (Bateman, 2010: 15).

در حال حاضر در سراسر جهان برنامه‌های بنگاه‌های کوچک مالی و سرمایه‌گذاری کوچک در حال ایجاد است. در سال ۲۰۰۰ تخمین زده شده که حدود ۱۰۰۰ بنگاه کوچک و مؤسسات خرد مالی در حداقل ۱۰۰ کشور وجود داشته و به حدود ۱۴ میلیون نفر وام داده‌اند که اکثر آنها وام را برای اهداف توسعه کسب و کار کوچک دریافت کرده‌اند. به نظر می‌رسد که اکثریت سازمان‌های مربوط به بنگاه‌های کوچک در آسیا بودند و به دنبال آن آمریکای لاتین و آفریقا، و کمترین تعداد در کشورهای غربی بوده است. تا سال ۲۰۰۸ برآورد شد که تعداد بنگاه‌های کوچک و سازمان‌های ارائه دهنده مایکروفاینانس تا بیش از ۱۰،۰۰۰ موسسه افزایش یافته است (Midgley, 2008: 472).

در واقع اکثر بنگاه‌های کوچک به افرادی که به همراه فرزندان و بستگان نزدیک خود شرکت‌های کوچک خانوادگی را تأسیس کنند، وام قرض می‌دهند. البته بیشتر بنگاه‌های کوچک بر مبنای رویکرد تک‌مالکی عمل می‌کنند و معمولاً در کشورهای غربی مانند ایالات متحده آمریکا مالکیت بیشتر بنگاه‌های کوچک متعلق به کارآفرینان فردی که اکثریت آنها زنان هستند است. آنچنان که میجلی می‌نویسد رویکرد تک‌مالکی توسط دولت فیلیپین تصویب شد که طرح اولیه خدمات اجتماعی متعارف را در اوایل دهه ۱۹۷۰ با ایجاد یک برنامه بنگاه‌های کوچک بعنوان برنامه کمک به خوداشتغالی موسوم به SEAP^۲ معرفی کرد (Midgley, 2015: 145).

شناخته شده‌ترین نوع بنگاه‌های کوچک بر اساس مفهوم وام‌دهی است که ابتدا توسط بانک گرامین اتخاذ شده است. بجای اعطای وام به افراد، بانک گروه کوچکی از وام‌دهندگان را به نام *کندراس*^۳ یا گروه‌های همبستگی^۴ تشکیل داد که کمتر از ۵ نفر خانم بودند. این وام بطور جمعی توسط این گروه در نظر گرفته می‌شد و هر عضو به طور مشترک با بقیه اعضا مسئول بازپرداخت بود، هر چند که معمولاً آنها کسب و کار خود را مدیریت می‌کردند. با پیوستن به یک گروه، مشارکت‌کنندگان به طور خودکار بعنوان

۱. سازمان غیرانتفاعی که از مؤسسات مالی خرد برای ارائه خدمات مالی به مشتریان کم‌درآمد حمایت می‌کند.

2. Self-Employment Assistance Program

3. Kendras

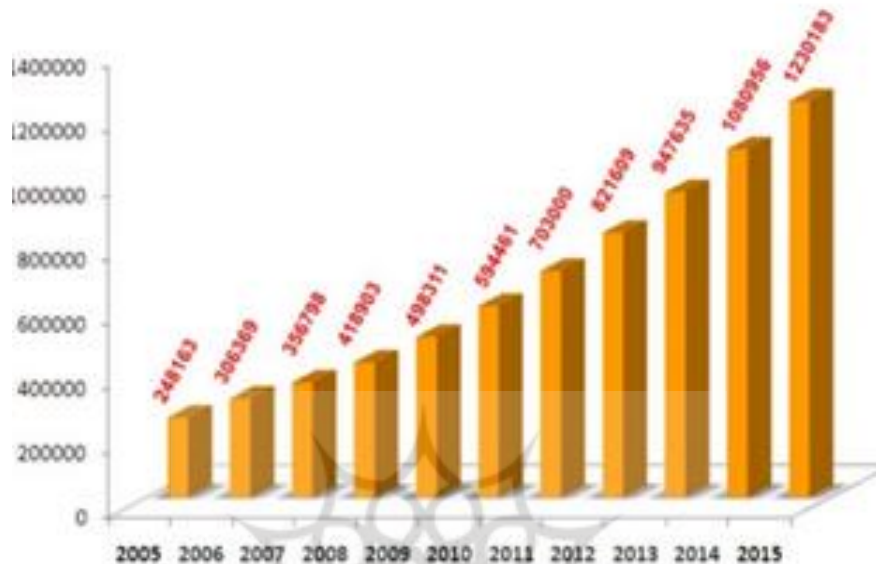
4. Solidarity Groups

اعضای بانک ثبت‌نام شدند. گروه‌ها به طور منظم و با کمک کارکنان بانک، پیشرفت در کار را مورد بررسی قرار می‌دادند و طرح‌های آینده مورد بحث قرار می‌گرفت. بر طبق اطلاعاتی که در سایت بانک گرامین وجود دارد در ماه دسامبر سال ۲۰۱۵، مبلغ ۸۸۱ میلیون وام‌گیرنده که ۹۷ درصد آن نیز زنان هستند، از این بانک تسهیلات دریافت کرده‌اند. بر طبق نمودار ۱ بیشترین وام به طرح‌های کشاورزی و جنگلداری و کمترین وام به طرح‌های دستفروشی کالاها و کوچک اختصاص یافته است. طبق نمودار ۲ نیز از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۵ هم بر تعداد دریافت‌کنندگان تسهیلات و هم بر ارزش این تسهیلات افزوده شده است و روند رو به رشد مطلوبی را در این بازه زمانی نشان می‌دهد.

نمودار ۱. پرداخت وام در طبقه‌بندی گسترده در طول سال ۲۰۱۵ در بانک گرامین



نمودار ۲. تخصیص تدریجی وام از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵



منبع: <http://www.grameen.com>

ب- بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران

اهمیت بنگاه‌ها با توجه به نقش بی‌بدیل آنها در رونق اقتصادی، مشارکت بخش‌های مختلف جامعه در آن، توسعه همه‌گیر در مناطق محلی و ترغیب دخالت افراد جامعه در خردترین سطح آن در کنش‌های اقتصادی به هزینه اندک و نوآوری در برنامه‌های توسعه‌ای جهانی و البته در برنامه‌های توسعه‌ای ایران بعنوان یک گزاره واجد ارزش پرداخته شده است. بعنوان مثال طبق ماده ۸۰ برنامه پنجم توسعه، به دولت اجازه داده می‌شود در راستای ایجاد اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی، کاهش عدم تعادل منطقه‌ای و توسعه مشاغل نو اقدام‌های زیر را انجام دهد:

* حمایت مالی و تشویق توسعه شبکه‌ها، خوشه‌ها و زنجیره‌های تولیدی، ایجاد پیوند مناسب بین بنگاه‌های کوچک، متوسط، بزرگ (اعطای کمک‌های هدفمند) و انجام تمهیدات لازم برای تقویت توان فنی - مهندسی - تخصصی، تحقیق و توسعه و بازاریابی

در بنگاه‌های کوچک و متوسط و توسعه مراکز اطلاع‌رسانی و تجارت الکترونیک برای آنها؛

* رفع مشکلات و موانع رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و کمک به بلوغ و تبدیل آنها به بنگاه‌های بزرگ و رقابت‌پذیر.^۱

همچنین تا جایی که مربوط به تأمین سرمایه مورد نیاز کشور در دوران برنامه پنجم می‌باشد در سال‌های اخیر با تلاش بانک مرکزی، سهم روزافزونی از تسهیلات پرداختی شبکه بانکی صرف تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی شده است (جدول ۱). به نظر می‌رسد اگر در دوره برنامه ششم، تسهیلات پرداختی بانک‌ها بابت سرمایه در گردش به تناسب مجموع نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی کشور رشد نماید از این طریق می‌توان سرمایه در گردش مورد نیاز واحدهای تولیدی را تأمین کرد.

جدول ۱- نحوه توزیع تسهیلات پرداختی شبکه بانکی (هزار میلیارد ریال - درصد)

سال	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
سرمایه در گردش	۸۹۹/۲	۱۲۷۳/۶	۲۰۷۰/۷	۲۶۳۴/۳
سهم	۴۶/۰	۵۳/۹	۶۰/۷	۶۳/۱
سایر موارد	۱۰۵۶/۶	۱۰۸۸/۶	۱۳۴۲/۵	۱۵۳۸/۹
سهم	۵۴/۰	۴۶/۱	۳۹/۳	۳۶/۹
جمع	۱۹۵۵/۹	۲۳۶۲/۲	۳۴۱۴/۲	۴۱۷۳/۲

منبع: هادی زونز، ۱۳۹۵: ۴۶

همانطور که مشاهده شد از نظر تأکیدات قانونی و برنامه‌های توسعه‌ای اهمیت موضوع بنگاه‌ها شناخته شده است. تعریف سازمان‌های مختلف در ایران از بنگاه‌های کوچک و متوسط یکسان نیست. سازمان‌های مختلف بنا به مقتضیات کاری خود تقسیم‌بندی متفاوتی برای بنگاه‌ها از حیث بزرگی، کوچکی و متوسطی در نظر گرفته‌اند. در جدول زیر (جدول ۲) تعبیر سازمان‌های مختلف از این بنگاه نشان داده شده است.

۱. سایت مرکز پژوهش‌های مجلس به نشانی rc.majlis.ir

جدول ۲- معیارهای ایران از بنگاه‌های کوچک و متوسط

تعریف حداکثر تعداد کارکنان (نفر)		نام سازمان
۵۰		وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت جهاد کشاورزی
۵۰-۵		سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی
۵۰		آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک و زودبازده مصوب سال ۱۳۸۰
۱۰	خرد	بانک مرکزی
۴۹-۱۰	کوچک	
۹۹-۵۰	متوسط	
بیش از ۱۰۰ نفر	بزرگ	

منبع: سخنرانی رئیس کل بانک مرکزی وقت در همایش بنگاه‌های کوچک و زودبازده، ۲۰ مردادماه ۱۳۹۳

فارغ از این اختلاف در تعریف، نتایج بررسی توان رقابت‌پذیری بنگاه‌های صنعتی کشور در کتاب افزایش توان رقابت‌پذیری صنعتی ایران تألیف مسعود نیلی موبد تولید ۶۴.۶ درصد ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی در سال ۱۳۸۶ توسط ۳.۱ درصد از کارگاه‌های با اشتغال بیش از ۴۰۰ نفر است. بر اساس گزارشات مرکز آمار ایران نیز ۶۷ درصد ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی با بیش از ۱۰ نفر کارکن در سال ۱۳۹۰ متعلق به ۳.۳ درصد از این کارگاه‌ها (یعنی کارگاه‌هایی با بیش از ۴۰۰ نفر کارکن) می‌باشد. با توجه به این توضیحات می‌توان گفت سهم تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران طی سال‌های ۹۱-۱۳۸۶ حدود ۲۷ درصد بوده است. این موضوع در حالی است که بنا بر گزارش سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، سهم تسهیلات اعطایی به این بنگاه‌ها در برخی کشورها (پرتقال، کره و سوئیس) به بیش از ۷۰ درصد می‌رسد. سهم تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های کوچک و متوسط در ترکیه نیز ۳۷.۵ درصد در سال ۲۰۱۲ بوده که نسبت به سال ۲۰۱۱ حدود ۲ درصد افزایش داشته است. جدول شماره ۳، سهم این تسهیلات را طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۷ در کشورهای منتخب نشان می‌دهد (نیلی، ۱۳۹۲).

جدول ۳. سهم تسهیلات پرداختی به SME ها از مجموع تسهیلات کسب و کار طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۷ (درصد)

کشورها	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
ایران	حدود ۲۷ درصد					
وام‌های اعطایی به SEM ها						
بلژیک	۵۸.۹	۶۰.۵	۶۱	۶۰.۸	۶۲	۶۵.۱
کانادا	۱۷.۲	۱۵.۶	۱۷.۹	۱۷.۵	۱۷.۵	۱۵.۷
فرانسه	۲۰.۷	۲۰.۳	۲۰.۲	۲۰.۵	۲۰.۷	۲۱.۲
مجارستان	۶۲.۴	۶۰.۶	۶۰	۵۴.۵	۵۴.۴	۶۱.۶
ایرلند	na.	na.	na.	۶۲.۹	۶۷.۸	۶۷.۵
ایتالیا	۱۸.۸	۱۷.۹	۱۸.۳	۱۹	۱۸.۳	۱۸.۴
کره جنوبی	۸۶.۸	۸۲.۶	۸۳.۵	۸۱.۵	۷۷.۷	۷۴.۷
مکزیک	۱۲	۱۲.۳	۱۲	۱۳	۱۳.۴	۱۶.۱
نروژ	۴۲.۹	۴۲.۷	۴۰.۴	۴۱	۴۰.۳	na
پرتغال	۷۸.۳	۷۷.۷	۷۷.۳	۷۷.۲	۷۷.۱	۷۳.۷
سوئیس	۸۱.۲	۸۱.۱	۸۰.۱	۷۹.۹	۷۸.۸	۷۸.۸
ترکیه	۴۰.۱	۳۲.۸	۳۱.۷	۳۵.۶	۳۵.۷	۳۷.۵
انگلستان	۱۹.۶	۱۸	۱۹.۹	۲۱.۲	۲۱.۲	۲۱.۸
آمریکا	۳۰.۱	۲۷.۷	۲۷.۶	۲۹	۲۶.۵	۳.۷
اسپانیا	۲۹.۸	۲۸.۴	۳۰.۲	۳۱.۶	۳۳	۳۰.۱

نتایج حاصل از اجرای بنگاه‌های زودبازده از سوی ارگان‌های مختلف بررسی گردید و نظرات متضادی از این بررسی‌ها بدست آمده است. مرکز پژوهش‌های مجلس و سازمان بازرسی کل کشور نتایج را ناامیدکننده توصیف نمودند و بیان داشتند که طرح فوق شکست خورده است. از سوی دیگر مرکز اطلاع‌رسانی دولت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و بانک مرکزی طرح را موفقیت‌آمیز توصیف نمودند و اظهار داشتند که انحراف ناچیزی در اجرای طرح مشاهده شده است. در این باب نمونه‌ای از گزارش‌های ارگان‌های فوق ارائه می‌گردد. در گزارش سازمان بازرسی کل کشور بر اساس تعداد ۴۶۶۵ نمونه در ۲۳ استان به شرح ذیل است:

* پرداخت این تسهیلات در برخی موارد با اهداف تعیین شده در قانون برنامه چهارم توسعه مغایرت داشته و نتوانسته به رشد و توسعه این صنایع و به تبع آن رشد صادرات و

اشتغال کمک نماید و موجبات افزایش نقدینگی در اقتصاد و فعالیت‌های سفته‌بازی را فراهم نموده است.

* به طور میانگین حدود ۱۶ درصد طرح‌ها صوری بوده (میانگین ساده ۱۷/۴۴ درصد و میانگین هندسی موزون ۱۵/۶۶ درصد) و متقاضیان تسهیلات بنگاه‌های زودبازده اساساً اقدام به ایجاد طرح نکرده و تسهیلات را در محل دیگری هزینه نمودند.

* به طور میانگین حدود ۴۰ درصد از اشتغال اسمی تعهد شده در طرح‌ها تحقق یافته است. بعبارت دیگر حدود ۶۰ درصد انحراف در اشتغال‌زایی وجود داشته است.

* بر اساس میانگین حساب موزون ۲۱/۹۵ درصد و میانگین هندسی موزون ۱۶/۹۲ درصد انحراف در خصوص تسهیلات پرداختی وجود داشته است. بعبارت دیگر برخی دریافت کنندگان، تسهیلات منابع را بعضاً یا به طور کامل در محل دیگری هزینه نموده‌اند و این مورد با موضوع طرح‌های صوری متفاوت است؛ زیرا در این مورد اخیر طرح وجود خارجی دارد اما تسهیلات دریافتی برای توسعه طرح یا سرمایه در گردش مصرف نشده است (حسین‌زاده و نصرتی، ۱۳۹۳: ۹۸).

اکنون می‌دانیم که توسعه اجتماعی با توجه به ساختار هنجاری عدالت و چارچوب نهادی و ساختاری جیمز میجلی واجد چه ویژگی‌هایی است. همچنین بصورت پراکنده وضعیت توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط بعنوان یکی از لایه‌های جدی مد نظر جیمز میجلی در کم کردن فاصله طبقاتی، کم کردن فقر و توسعه عدالت اجتماعی در کشور ایران بررسی شد. با توجه به اینکه سیاست توسعه این نوع از بنگاه‌ها بعنوان یکی از گزاره‌های عینی مدنظر دولت نهم بوده است، به پیامدهای سیاسی اتخاذ این رویکرد در این دولت پرداخته می‌شود. آنچه که مهم است تصویر دو متغیر مهم است؛ متغیر هنجاری عدالت و کارکرد نهادهای دولتی. قبل از توسعه این بحث ابتدا ارتباط دولت نهم با گزاره عدالت بررسی می‌شود.

پ- عدالت در دولت نهم: انگاره هنجاری

با تشکیل دولت نهم و در تداوم آن دولت دهم، چرخش اساسی در سیاست داخلی و خارجی کشور ایجاد شد. در سیاست داخلی، طرح‌های بحث‌برانگیزی چون سفرهای استانی هیئت دولت، هدفمندشدن یارانه‌ها، طرح مسکن مهر و پرداخت سهام عدالت در

دستور کار قرار گرفت و در سیاست خارجی نیز رویکردی تهاجمی اتخاذ گردید. سیاست‌های جدید برخاسته از الگوی فکری جدیدی بود که از میان مؤلفه‌های فراگفتمان انقلاب اسلامی، مؤلفه «عدالت اسلامی» را در مرکز ثقل خود قرار داد. از این‌رو در عرصه داخلی، ارائه و معرفی الگوی حکومت عدل اسلامی و در حوزه سیاست خارجی، مقابله با نظم بین‌المللی مستقر - که از آن بعنوان نظم جهانی سلطه یاد می‌شد - مورد توجه ویژه قرار گرفت. گفتمان دولت جدید در حقیقت آنتی‌تزی در برابر گفتمان‌های دولت سازندگی و دولت اصلاحات بود. دولت سازندگی بر اساس باورهای نئوکلاسیک اقتصاد توسعه، تحقق عدالت را پس‌آیند رشد تولید و سرمایه‌گذاری تلقی می‌کرد. در نتیجه از توجه به موضوع عدالت اجتماعی فاصله گرفت و با تلاش برای اجرای نسخه‌های تعدیل اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، به تورم گسترده و افزایش شکاف طبقاتی دامن زد. دولت اصلاحات نیز توسعه سیاسی و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی را محور فعالیت‌های خود قرار داد و نتوانست به گونه‌ای بایسته به مسئله عدالت اجتماعی بپردازد. از این‌رو دیدگاه‌های دولت جدید با اقبال مردمی روبه‌رو شد و نقش غالب یافت. رئیس دولت نهم در مبارزات انتخاباتی سال ۱۳۸۳، عدالت‌محوری و عدالت‌گستری را محور برنامه‌های خود اعلام کرد (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۶).

دولت نهم پس از پیروزی در انتخابات سوم تیر ۱۳۸۴ بلافاصله در مرداد همین سال برنامه تفصیلی خود را به شکل مکتوب و مدون ارائه نمود. در این برنامه بخوبی ساختار، آرایش و دال‌های گفتمانی دولت نهم و از جمله عدالت‌گستری مشاهده می‌شود. در بخش‌هایی از این مقدمه چنین آمده است: «هم‌اینک ایران اسلامی به آرامی در این سوی رخ می‌نماید تا بر نظام سلطه جهانی خط بطلان بکشد و نور عدالت و معنویت را بپراکند... ما توسعه به معنای تقلیدی و شاید تحمیلی آن را شجاعانه بایگانی می‌کنیم. آنچه بالندگی، شکوفایی و در عین حال سرآمدی جامعه ما را تضمین می‌کند، تنها تعبیر قرآنی «تعالی» است که در سایه حکمت، بصیرت، عدالت و حکومت مبتنی بر اسلام ناب محمدی فراچنگ می‌آید و غایت آن سرآمدی موعود است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۰۹). در این تفسیر وقتی بحث از خدمت‌رسانی به مردم و توسعه عدالت در قالب دولت مبتنی بر عقلانیت دینی می‌شود به نوعی سیمای یک رهیافت دینی در بازنمایی عنصر عدالت در بین مردم خودنمایی می‌کند. بدیهی است که این بازنمایی واجد سنجه‌هایی

عینی است تا از آن طریق برنامه مورد وثوق دولت نهم به حالت برنامه‌ای و کارکردی بدیل شود؛ آنچنان که بانک گرامین بعنوان یک برنامه عملیاتی سعی داشت با کارکردی از پایین به بالا و درگیر کردن مردم محلی در توسعه با واسطه مردم به جنبه‌های اجتماعی توسعه پردازد و با کم کردن فقر به نوعی از عدالت منجر به توسعه اجتماعی دست زند. در واقع گفتمان عدالت علاوه بر بنیان‌های تئوریک و نظری مشخص، در یک طرز تلقی انضمامی و عینی در دولت نهم مورد اعاده نهادی و ساختاری قرار گرفت؛ به این معنی که معطوف به بسیج طبقاتی معین و با اتکا به برنامه‌های عملیاتی نهاد دولت بود.

ت- سیاست‌گذاری بنگاه‌های کوچک در دولت نهم

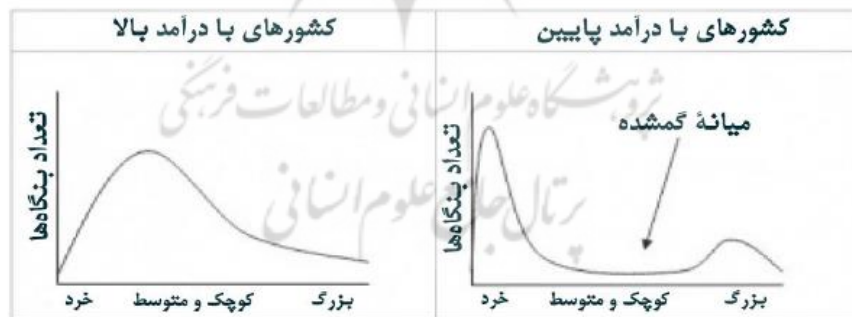
با آغاز فعالیت دولت نهم موضوع توسعه بنگاه‌های زودبازده که تأکید بر اشتغال در بخش‌های خرد و متوسط داشت، مورد توجه قرار گرفت. جمعیت جوانی که در دهه ۶۰ متولد شده بودند، روانه بازار کار شدند و بازار کار ایران با خیل عظیم جمعیتی مواجه بود که باید پاسخگوی نیاز اشتغال آنها باشد. دولت نهم تصمیم داشت با توجه به هزینه پایین‌تر اشتغال‌زایی در بنگاه‌های کوچک، تمرکز خود را در کنار حمایت از واحدهای بزرگ صنعتی بر روی واحدهای کوچک هم قرار دهد تا از این طریق بتواند به شکل ضربتی اشتغال لازم برای کارجویانی که هر سال به بازار کار وارد می‌شوند را فراهم کند. یکی از اصول طرح بنگاه‌های زودبازده توجه مضاعف به بحث حمایت از بنگاه‌های اقتصادی کوچک است.

سید محمد جهرمی، وزیر کار و امور اجتماعی در دولت نهم، بارها بر این موضوع تأکید داشته‌اند که حدود ۸۵ درصد جویندگان کار فاقد مهارت شغلی هستند. با در نظر گرفتن این مسأله به نظر می‌رسد ایجاد زمینه‌های اشتغال برای چنین افرادی در واحدهای کوچک و کسب و کارهای خانگی آسان‌تر از اشتغال‌زایی در صنایع بزرگ باشد، چرا که این افراد در کسب و کارهای کوچک این فرصت را خواهند داشت تا متناسب با نیازهای هر کسب و کار، مهارت‌های لازم را فرا گیرند. البته ذکر مطالب یاد شده به معنای حمایت نکردن از بنگاه‌های بزرگ اقتصادی نیست. جهرمی اعلام کرده بود تسهیلات بنگاه‌های زودبازده برای واحدهای بزرگی که بیش از ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته باشند هم در نظر گرفته می‌شود.

کارشناسان اقتصادی بر این باورند که واحدهای خرد دارای مزایایی هستند که بنگاه‌های بزرگ از آن بی‌بهره‌اند و سریعتر می‌توانند به اشتغال برسند. توجه داشته باشیم این بنگاه‌ها می‌توانند خدمت‌رسان بنگاه‌های بزرگ اقتصادی باشند. البته این رابطه ممکن است مستقیم نباشد و کار قبل از رسیدن به بنگاه‌های کوچک چند بار دست به دست شود اما با توجه به اینکه بسیاری از شرکت‌ها به برون‌سپاری فعالیت‌ها پرداخته‌اند، وجود این بنگاه‌های کوچک می‌تواند مفید باشد. بنگاه‌های خرد و متوسط مشکلات خودشان را هم دارند، اما با آموزش صاحبان کسب و کار و بررسی دقیق در زمان اعطای تسهیلات می‌توان مانع بروز برخی از مشکلات شد (بی‌نام، ۱۳۸۹: ۸).

توجه به بنگاه‌های کوچک و متوسط در دولت نهم بر مبنای تجربیات مشخص و آمارهای واضح صورت گرفت و کارشناسی بودن آن در قالب گویه‌ای به نام «میانه گم‌شده»^۱ سنجیده شده است. اگر در کشوری تعداد بسیار زیادی از بنگاه‌های کوچک و بزرگ وجود داشته باشد و در این میان بنگاه‌های با حجم میانه در اقتصاد این کشور کم باشد، نشان‌دهنده وضعیت ضعیف حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد است. این فقدان بنگاه‌های کوچک و متوسط که عمدتاً در کشورهای کمتر توسعه یافته رخ می‌دهد، میانه گم‌شده نام دارد. نمودار زیر به وضوح مفهوم میانه گم‌شده را نشان می‌دهد.

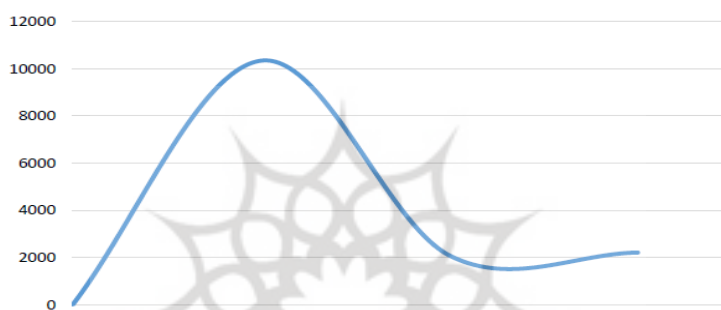
نمودار ۳. مفهوم نموداری میانه گم‌شده



اگر بر اساس تقسیم‌بندی مرکز آمار ایران بنگاه‌های ۱ تا ۹ نفر کارکن بنگاه‌های خرد، ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن کوچک، ۵۰ تا ۹۹ نفر کارکن متوسط و بیش از ۱۰۰ نفر کارکن

بنگاه‌های بزرگ در نظر گرفته شوند، همانطور که در نمودار ۴ ملاحظه می‌شود، میانه گمشده در ساختار تولید صنعتی کشور کاملاً مشهود است. وقوع میانه گمشده به این معنی است که بنگاه‌های خرد عمدتاً نمی‌توانند مراحل بلوغ خود را در فضای کسب و کار کشور به سلامت طی کنند و بخشی از آنها از صحنه تولید حذف شده و برخی دیگر در بازار غیررسمی به فعالیت خود ادامه می‌دهند. این مکانیسم معیوب به دلیل وجود موانع فراوان در فضای کسب و کار رخ می‌دهد.

نمودار ۴- استخراج میانه گم‌شده در فضای تولید صنعتی کشور



منبع: مصطفی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۵

تحلیل و نتیجه‌گیری

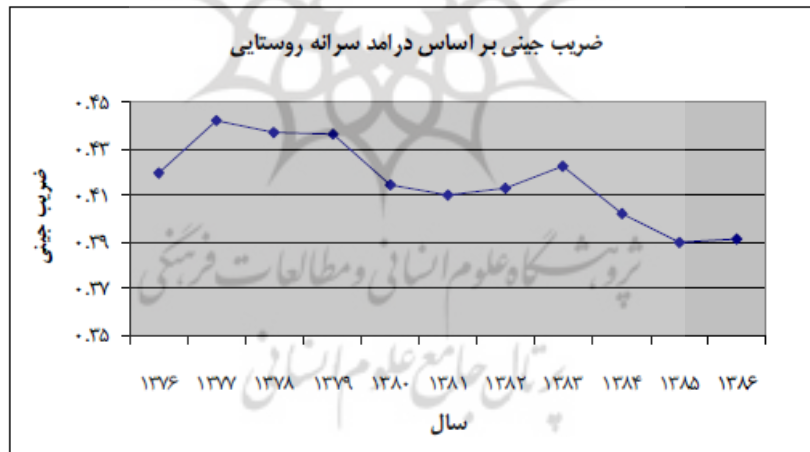
الف- بررسی پیامدهای سیاسی

بدیهی است که هر نوع کنش اقتصادی، فرهنگی و یا اجتماعی می‌تواند واجد انواع پیامدهای سیاسی باشد. موضوع بنگاه‌های کوچک و زودبازده در دولت نهم نیز خارج از این چارچوب نیست. همانطور که اشاره شد دولت نهم با شعارهای عدالت‌طلبی و توجه به اقشار محروم توانست آرای زیادی را به خود اختصاص دهد و در رقابت با رقیبان سیاسی خود که به نوعی نماینده سیاست‌های توسعه‌ای فراگیر جهانی بودند، به پیروزی برسد. در این بین در ساحتی اقتصادی نوعی رویکرد به بنگاه‌های کوچک و متوسط در دولت مورد توجه قرار گرفت و به حوزه سیاست‌گذاری در سطوح بالایی اجرایی رسید.

در این پژوهش با توجه به شاخص توسعه اجتماعی از طریق گسترش کسب و کارهای کوچک که در اندیشه جیمز میجلی و در قالب ساختارگرایی نهادی مورد بحث

قرار گرفت، مجموعه‌ای درهم تنیده از سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پیامدهای مشخصی را مورد بررسی قرار داده است. آنچه مشخص است برون‌داد عینی این گزاره‌ها است که در قالب رفتارهای سیاسی و یا بعنوان پیامدهای سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرند. بعنوان مثال افزایش اعتبارات برای گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط در دولت نهم و تسهیم روستاییان و بخش‌های محروم‌تر جامعه در این فرآیند بعنوان اقشاری که حامیان گفتمان سیاسی عدالت اجتماعی و اقتصادی نیز بوده‌اند، یک پیامد مشخص اقتصادی داشته است. بر مبنای گزارش توزیع درآمد در خانوارهای شهری و روستایی کشور ۱۳۸۶-۱۳۷۶ مرکز آمار ایران و در قسمت مربوط به ضریب جینی بر اساس درآمد سرانه روستایی شاهد کاهش این ضریب هستیم و این به معنای برابری بیشتر، توزیع مناسب‌تر درآمدها، گسترش بیشتر عدالت و در نهایت و به احتمال زیاد افزایش کنش‌های سیاسی شهروندانی هستیم که در این معادله قرار داشتند.

نمودار ۵. شاخص ضریب جینی بر اساس درآمد سرانه روستایی



منبع: مرکز آمار ایران

نمودار ۵ به وضوح نشان می‌دهد که ضریب جینی در سال ۱۳۸۶ و در تمام سال‌های یک دهه منتهی به این سال کمتر بوده و به ۰.۳۹ درصد رسیده است. این عدد نشانگر کاهش فاصله طبقاتی و توزیع مناسب‌تر و بهتر درآمدها است. این عدد حتی در سال‌های

بعدی نیز ادامه می‌یابد. بعنوان مثال در گزارش دیگری از مرکز آمار ایران در مورد ضریب جینی بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ نشان داده شده است که ضریب جینی در بخش روستایی به ۳۴٪ درصد نیز رسیده است.

جدول ۴- ضریب جینی بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ در مناطق شهری، روستایی و کل کشور

سال	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
کل کشور	۰.۴۱	۰.۳۷	۰.۳۷	۰.۳۷	۰.۳۸	۰.۳۹
شهری	۰.۳۸	۰.۳۶	۰.۳۵	۰.۳۵	۰.۳۶	۰.۳۷
روستایی	۰.۳۸	۰.۳۴	۰.۳۳	۰.۳۲	۰.۳۴	۰.۳۴

منبع: مرکز آمار ایران

جدول ۴ نشان می‌دهد که در ادامه کاهش ضریب جینی در بخش روستایی، این نشانگر عدد بسیار کمتری را از میانگین کل کشور که حاصل میانگین مناطق شهری و روستایی است، روشن می‌سازد. بنابراین این مجموعه دلالت‌های اقتصادی، ایده جیمز میجلی در قالب برنامه بنگاه‌های کوچک به منظور رشد برابری‌ها و افزایش عدالت و در نتیجه گسترش توسعه اجتماعی را اثبات می‌کند. میجلی تحت بررسی گرامین بانک و موسس آن، محمد یونس، توجه رسانه‌ها و عموم مردم را به این موضوع جلب کرد و این ایده را مطرح کرد که شرکت‌های کوچک یک راه موثر برای مقابله با فقر در کشورهای کمتر توسعه یافته هستند. نکته جالب‌تر اینکه این کاهش ضریب جینی در استان‌های محروم در این بازه زمانی بسیار بیشتر قابل درک است.

جدول ۵ نشان می‌دهد که:

* میانگین ضریب جینی در بازه زمانی دولت نهم در بخش روستایی کل کشور ۳۹٪ درصد بوده است و در بخش شهری کل کشور ۴۱٪ درصد. بنابراین ضریب جینی بخش روستایی کل کشور نسبت به بخش شهری پایین‌تر و در نتیجه حوزه‌های واجد عدالت بیشتر.

* در بخش روستایی، بخش‌های مربوط به استان‌های کمتر توسعه یافته دارای ضریب جینی کمتری نسبت به بخش‌های مربوط به استان‌های توسعه یافته‌تر هستند. این موارد نشان می‌دهد که سیاست توسعه بنگاه‌های کوچک در دولت نهم در نگاه اول و از منظری

کاملاً اقتصادی اثرات خود را نشان داده و شاخص ضریب جینی موید این رویکرد است. نکته مهم‌تر در بسط این رویکرد، رشد مشارکت بخش‌های روستایی در انتخابات آتی ریاست جمهوری (انتخابات دور دهم ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸) است. این گزاره خود را در قالب افزایش مشارکت سیاسی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵- ضریب جینی با گروه‌بندی بر اساس هزینه ناخالص سرانه روستایی و شهری

استان	روستایی	شهری
کل کشور	۰.۳۹۲۳	۰.۴۱۲۰
آذربایجان شرقی	۰.۳۵۴۶	۰.۴۱۳۶
آذربایجان غربی	۰.۳۹۴۴	۰.۳۸۹۰
اردبیل	۰.۳۷۰۷	۰.۳۴۸۶
اصفهان	۰.۴۰۳۱	۰.۳۹۱۹
ایلام	۰.۳۱۰۲	۰.۳۹۳۲
بوشهر	۰.۳۱۵۴	۰.۳۳۹۰
تهران	۰.۴۰۳۹	۰.۴۰۶۴
چهارمحال و بختیاری	۰.۲۷۲۹	۰.۲۶۷۳
خراسان جنوبی	۰.۳۲۹۲	۰.۴۰۰۹
خراسان رضوی	۰.۳۸۲۶	۰.۴۲۸۰
خراسان شمالی	۰.۳۴۸۱	۰.۳۲۹۵
خوزستان	۰.۳۲۱۷	۰.۳۶۸۹
زنجان	۰.۳۶۰۱	۰.۳۶۱۷
سمنان	۰.۳۳۸۳	۰.۳۳۱۹
سیستان و بلوچستان	۰.۳۹۸۹	۰.۴۳۱۴
فارس	۰.۳۷۸۹	۰.۳۹۶۱
قزوین	۰.۳۷۰۶	۰.۳۲۲۶
قم	۰.۳۶۱۹	۰.۳۴۴۵
کردستان	۰.۲۸۹۰	۰.۳۱۹۵
کرمان	۰.۳۹۱۷	۰.۳۷۷۳
کرمانشاه	۰.۳۴۹۹	۰.۳۵۷۹

منبع: مرکز آمار ایران

میجلی در بررسی توسعه اجتماعی علاوه بر نقش بنگاه‌های کوچک به موضوع سرمایه اجتماعی نیز پرداخت. وی معتقد بود اجتماع‌سازی که مبتنی بر ترغیب مشارکت افراد جامعه در انواع فرآیندها و فعالیت‌های مدنی است، بعنوان یکی از نمودهای عینی سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شود که در پیوند جامعه با توسعه اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند. فعالیت‌های خیرخواهانه، ایجاد و توسعه گروه‌های اعتباری - پس‌اندازی در ساخت‌های محلی یا در انجمن‌های خیریه مانند خیریه‌های مذهبی، توسعه محلی از طریق مردم محلی، ایجاد باشگاه‌ها، کلوب‌ها و سازمان‌های مردمی و محلی برای ترغیب مشارکت‌های مردمی از جمله مواردی است که میجلی ذیل مفهوم اجتماع‌سازی به آنها می‌پردازد.

به نظر می‌رسد دولت نهم این ویژگی اجتماع‌سازی را از طریق کاربست سفرهای متعدد استانی و ارتباط با مردم بومی و محلی هر منطقه در کنار ایجاد کلوب‌های فرهنگی و اجتماعی به منظور نیل به سرمایه اجتماعی بیشتر در دستور سیاست‌های خود قرار داده بود. طرح هدفمند کردن یارانه‌ها شکل عریان اجتماع‌سازی محلی بود. علی‌رغم اینکه انتقادهایی به نحوه توزیع یارانه‌ها بین همه دهک‌های جمعیتی در بین منتقدین وجود دارد، در عین حال در ترویج نوعی اجتماع‌سازی محلی و گسترش‌های شبکه‌های اجتماعی محلی و شهری توسط هدفمندی یارانه‌های نمی‌توان تردید جدی ایجاد کرد.

در واقع یکی از پیامدهای سیاسی بازتوزیع ثروت در قالب بنگاه‌های کوچک، خود را در قالب همبستگی محلی در کانون‌سازی و اجتماع‌سازی در دولت نهم نشان داده است؛ چرا که مشارکت سیاسی شهروندان به طور مشخص در انتخابات ریاست جمهوری دور دهم بسیار چشمگیر بود. رویکرد مقابل این طرز تقلی نیز وجود دارد؛ به این معنی که عدم توجه به بازتوزیع عدالت‌محور ثروت و کاهش نقش عوامل و مولفه‌های محلی در خلق ثروت برای برابری بیشتر، به مشارکت مردمی محدود می‌تواند منجر شود. اتخاذ سیاست‌هایی که متأثر از آن مشارکت مردمی محدود می‌شود، بیگانگی اجتماعی، احساس ناتوانی، پوچی، بی‌معناری، جدایی از جمع و گسست همبستگی ملی را در پی دارد. به دیگر سخن، وجود چنین شکاف‌هایی در نحوه مواجهه دولت با شهروندان از تکوین هویت ملی واحد ممانعت می‌کند. نمونه این نوع رفتار را

در بی‌اقبال‌ی یا بی‌میلی نخبگان و روشنفکران نسبت به انتخابات می‌توان عیان دید. به نظر می‌رسد شهروندان در چنین جوامعی رفته‌رفته به این نتیجه و تصمیم می‌رسند که به حداقل‌ها و کف حضور در جامعه اکتفا کنند.

در بهترین حالت، احساس بی‌تعلقی عمومی به سرنوشت خود به این شکل ظهور می‌یابد که شهروندان صرفاً در یک عرصه متعلق به خودشان یعنی انتخابات البته آن هم هر از چند سال مشارکت می‌کنند. شاهد مدعای این بی‌تعلقی و گسست سیاسی آنکه پس از برچیده شدن آرایش سیاسی نامزدها، اتمام شعارهای انتخاباتی و به‌طور کلی به سکون رفتن تب و تاب موجود در فضای انتخابات، شهروندان در ساعات پایانی وقت رأی‌گیری، به حداقلی از مشارکت بسنده می‌کنند. در این حالت، کنش سیاسی تا حد یک نمایش آیینی برای انجام دادن تکلیف ملی به منظور راحتی وجدان یا جلوگیری از محرومیت‌های آتی تقلیل می‌یابد. در نتیجه احساس تعلق و همبستگی آزاد، آگاهانه و رضایت‌مندانه شهروندان به حداقل ممکن می‌رسد (رحمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴۰).

بعنوان مثال طبق آمار رسمی وزارت کشور مردم استان خراسان جنوبی بعنوان استانی کمتر برخوردار که در بخش‌های روستایی آن شاهد کاهش ضریب جینی بالاتر از میانگین روستایی کل کشور بودیم (و این به معنی برخورداری بیشتر بخش‌های محلی و روستایی این استان از بازتوزیع ثروت می‌باشد)^۱، بیشترین مشارکت خود را بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در انتخابات دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری داشته‌اند (جدول ۶).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. به جدول ۵ رجوع شود.

جدول ۶- میزان مشارکت ملی و استانی در یازده دوره انتخابات؛ استان خراسان جنوبی

نام انتخابات	تاریخ رای گیری	درصد مشارکت در کشور	درصد آرای اخذ شده استان	درصد مشارکت استانی	ریاست
اولین دوره	۱۳۵۸/۱۱/۰۵	۶۲/۲	۱.۳۶۹.۶۴۰	۶۸	بنی صدر
دومین دوره	۱۳۶۰/۰۵/۰۲	۶۴/۹۵	۱.۵۴۹.۸۶۸	۷۲/۵	رجایی
سومین دوره	۱۳۶۱/۰۷/۱۰	۷۵/۰۸	۱.۶۶۸.۱۶۸	۷۸	آیت الله خامنه‌ای
چهارمین دوره	۱۳۶۴/۰۵/۲۵	۵۴/۰۹	۱.۴۹۰.۵۰۰	۵۸/۴۹	آیت الله خامنه‌ای
پنجمین دوره	۱۳۶۸/۰۵/۰۶	۵۴/۵۹	۱.۶۵۷.۹۴۹	۵۷/۶	آیت الله هاشمی رفسنجانی
ششمین دوره	۱۳۷۲/۰۳/۲۱	۵۰/۶۶	۱.۷۵۴.۶۲۴	۵۸/۲۳	آیت الله هاشمی رفسنجانی
هفتمین دوره	۱۳۷۶/۰۳/۰۲	۷۹/۸۵	۲.۹۳۶.۳۶۷	۸۹/۴۵	خاتمی
هشتمین دوره	۱۳۸۰/۰۳/۱۸	۷۴/۴۵	۳.۱۲۴.۸۲۶	۷۹/۳۶	خاتمی
انتخابات برگزار شده در استان خراسان جنوبی پس از تشکیل استان					
مرحله اول نهمین دوره	۱۳۸۴/۰۳/۲۷	۶۲/۶۶	۲۹۰.۸۷۹	۷۹	احمدی نژاد- آیت الله هاشمی
مرحله دوم نهمین دوره	۱۳۸۴/۰۴/۰۳	۵۹/۶	۲۶۶.۰۴۰	۷۲	احمدی نژاد
دهمین دوره	۱۳۸۸/۰۳/۲۲	۸۵	۲۸۳.۱۵۷	۹۱	احمدی نژاد
یازدهمین دوره	۱۳۹۲/۰۳/۲۴	۷۲/۷	۴۳۸.۶۸۶	۹۲	روحانی

منبع: وزارت کشور

جدول ۶ نشان می‌دهد که میزان مشارکت در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در استان خراسان جنوبی ۸۵ درصد بوده است که دارای اختلاف معناداری حتی با دیگر نرخ‌های مشارکت بالا در دیگر دوره‌های انتخابات ریاست جمهوری است. این نتایج با پژوهش مهرگان و عزتی (۱۳۸۵) از حیث منطقی همخوانی دارد. به این معنی که می‌توان معلول مشارکت در انتخابات را در علت توسعه اقتصادی (و طبعاً احساس عدالت اقتصادی) جستجو کرد. این پژوهشگران دریافتند «متغیر درآمد سرانه نشان می‌دهد که با افزایش یک درصد در درآمد سرانه استانی، به طور متوسط مشارکت مردم استان در

انتخابات ریاست جمهوری ۰/۰۷ درصد افزایش می‌یابد. این متغیر می‌تواند بعنوان شاخص توسعه یافتگی استان‌ها نیز تلقی شود که نشان دهنده رابطه مستقیم بین توسعه یافتگی استان‌ها و مقدار مشارکت مردم استان‌ها در انتخابات است» (مهرگان و عزتی، ۱۳۸۵: ۵۹).

همچنین طبق پژوهش دیگر که توسط حسینی، بهرامی لایق و قشمی انجام گرفته است داده‌ها نشان می‌دهند که «دولت باید برای برقراری عدالت اقتصادی بیشتر در کشور تلاش کند تا با افزایش سطح توسعه اقتصادی استان‌های کمتر توسعه یافته و محروم، اهالی این مناطق نیز بتوانند از سد نیازهای اولیه خود گذشته و به دنبال رفع نیازهای بالاتر [مانند مشارکت در انتخابات] در سلسله مراتب نیازهای انسانی خود باشند» (حسینی، بهرامی لایق و قشمی، ۱۳۹۶: ۱۲۳-۱۲۲). این پژوهش در مورد ارتباط افزایش توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه یافته از طریق گسترش حوزه بنگاه‌های زودبازده به مناطق مذکور در دولت نهم از یکسو و افزایش مشارکت سیاسی افراد در این مناطق در انتخابات بعنوان رفتاری انتخاباتی متأثر از احساس عدالت ایجاد شده از طریق منطق اقتصادی ضریب جینی از سوی دیگر، دارای نتایج مشابهی با پژوهش‌های پیش گفته می‌باشد.

ب- تحلیل داده‌ها

در روش تحلیل تماتیک به مثابه روشی کیفی و با نمونه‌گیری هدفمند، مصاحبه‌هایی نیمه‌ساختار یافته با ۱۱ نفر از افراد مختلف متناسب با سه ملاک پیش گفته در بخش روش تحقیق انجام پذیرفت. مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختار یافته صورت گرفته است. بعد از انجام مصاحبه‌ها، ابتدا کدگذاری باز با کثرت بالا و در ادامه کدگذاری محوری و در نهایت کدگذاری گزینشی صورت گرفت تا به بهترین شکل ممکن مضامین مورد نیاز ساخته شوند.

جدول ۷- مشخصات و اطلاعات افراد مورد مصاحبه

شماره	نام (مستعار)	سن	تحصیلات	شغل / ملاحظات
۱	رضایی	۴۷	دکتری	استاد دانشگاه
۲	امیدی	۵۱	دکتری	استاد دانشگاه
۳	مبرز	۴۹	دکتری	استاد دانشگاه
۴	قاسمی	۵۵	دکتری	استاد دانشگاه/مدیر سابق دولتی
۵	حسینی	۶۳	دکتری	استاد دانشگاه / مدیر اسبق دولتی
۶	خاشعی	۵۱	دکتری	استاد دانشگاه
۷	ابراهیمی	۶۵	دکتری	استاد بازنشسته دانشگاه
۸	یزدانی	۵۷	دکتری	استاد دانشگاه/مدیر دولتی
۹	مرادی	۶۷	دکتری	استاد بازنشسته دانشگاه/ مدیر اسبق دولتی
۱۰	صداقت	۵۹	دکتری	استاد دانشگاه/ مدیر دولتی
۱۱	فراهانی	۵۰	دکتری	استاد دانشگاه

چون سطح گفتگوها در حیطه مسائل تخصصی قرار داشت و منطق این پژوهش دنبال کردن محتوایی آکادمیک با شناخت متغیرهای مربوطه بود، نمونه‌های انتخاب شده عمدتاً اساتید دانشگاهی و متخصصین امر اقتصادی بودند که سابقه مدیریت در سطوح کلان دولت را نیز داشتند. بنابراین تمایز قابل توجهی در اطلاعات جمعیتی نمونه‌ها وجود ندارد. از هر کدام از افراد مذکور مصاحبه‌های ۴۵ دقیقه‌ای گرفته شد و سپس به منظور تأمل در داده‌ها و آشنایی بیشتر با مباحث، این مصاحبه‌ها پیاده شدند. پرسش‌ها اصلی که از این افراد پرسیده شدند عبارتند از:

- ❖ مهمترین پیامد بنگاه‌های اقتصادی زودبازده در دولت نهم را چه چیزی می‌دانید؟
- ❖ چه دلالت‌های سیاسی را ماحصل اجرای سیاست بنگاه‌های اقتصادی زودبازده می‌دانید؟
- ❖ آیا اجرای سیاست بنگاه‌های زودبازده توانست دولت نهم را به اجرای عدالت اقتصادی نزدیک کند؟ چه پیامد عینی را می‌توانید مثال بزنید؟
- ❖ آیا نسبتی بین اجرای سیاست بنگاه‌های اقتصادی زودبازده و مشارکت در انتخابات دهم ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ می‌بینید؟

❖ آیا دولت نهم توانست با اجرای سیاست بنگاه‌های اقتصادی زودبازده به بسیج سیاسی طبقات پایین دست بزند؟

این سوالات بعنوان پرسش‌های اصلی انتخاب شدند. البته بدیهی است که با توجه به ساختار مصاحبه، سوالات متعدد دیگری بسته به موقعیت گفتگو ارائه شدند. در مرحله جمع‌آوری داده‌ها و مبتنی بر روش تحلیل تماتیک و مصاحبه‌های صورت‌پذیرفته، در ابتدا ۱۷ کد اولیه استخراج شد. این کدهای اولیه به مثابه کدگذاری باز در پژوهش مورد توجه محقق قرار گرفتند. برای ساخت مقولات و تم‌های اصلی، این کدها با یکدیگر ادغام شده و کدهای مشترک تولید شدند. ۱۷ مفهوم یا کد اولیه همراه با نقل‌قول‌های مرتبط در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸. کدهای اولیه و نقل‌قول‌های مربوط به هر کد

نقل قول	کد اولیه
«بدون تردید مردم دولت نهم را نزدیک‌ترین دولت به عدالت اقتصادی می‌دانستند و احساس می‌کردند از طریق این دولت، عدالت بیشتر از گذشته نمایان می‌شود.»	عدالت اقتصادی
«مهمترین کارویژه دولت نهم فارغ از بحث بنگاه‌های اقتصادی، بسیج کردن توده‌ها بوده است. زیرا توده‌ها احساس می‌کردند این دولت به آنها نزدیک‌تر است. بنگاه‌های اقتصادی تا حدی به این موضوع کمک کرد.»	بسیج توده‌ها
«مردم وقتی دیدند دولت به آنها توجه می‌کند، به عزت نفس آنها کمک می‌کند و سعی می‌کند مسائل اقتصادی آنها را حل کند، میل بیشتری به مشارکت سیاسی به نفع آن دولت پیدا می‌کنند. این موضوع بیشتر در دهک‌های پایین مشاهده می‌شود.»	مشارکت سیاسی
«حتی اگر سیاست بنگاه‌های اقتصادی به درستی اجرا نشده باشد، توزیع پول و امکانات مالی ناشی از فروش نفت با قیمت بالا آن هم با نظارت حداقلی بر منابع، موجب افزایش رفاه بخش زیادی از مردم شد. پیامد آن افزایش مشارکت بوده است.»	افزایش رفاه
«سیاست بنگاه‌های اقتصادی در کنار دیگر سیاست‌های دولت در کنار افزایش درآمدهای دولت موجب شد در کل کشور فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی تمایل و روی‌آوری به دولت بیشتر شود.»	روی‌آوری به دولت نهم
«دولت نهم با تکیه بر منابع ارزی گسترده و تزریق پول به صورت بی‌نظم، باعث پراکنش غیراقتصادی پول در کشور شد. این پراکنش غیراقتصادی با بازدهی اقتصادی کمی روبرو بود ولی همین توزیع پول باعث ایجاد نوعی احساس برابری و عدالت در مردم شد.»	احساس برابری و عدالت
«دولت نهم با اجرای سیاست بنگاه‌های زودبازده سعی داشت مردم را به ویژه در طبقات متوسط و پایین به سمت کنشگری سیاسی سوق دهد. یعنی از سیاست اقتصادی دریافتی سیاسی داشته باشد.»	تلاش برای کنشگری سیاسی مردم

ادامه جدول ۸

نقل قول	کد اولیه
«هر چند نمی‌توان سیاست بنگاه‌های زودبازده را کاملاً موفق ارزیابی کرد، اما سیاست مالی و پولی دولت و تزریق پول ناشی از فروش نفت به طبقات پایین موجب افزایش رفاه این طبقات و دهک‌های اقتصادی شد.»	افزایش رفاه طبقات پایین
«مهمترین دلیل افزایش مشارکت سیاسی در انتخابات دهم گسترش امید مردم به دولت به ویژه در بین توده‌های طبقات پایین بوده است. این امر نیز ناشی از اجرای سیاست بنگاه‌ها در دولت نهم بوده است.»	گسترش امید به دولت در بین توده‌ها
«دولت نهم با افزایش قیمت نفت و تزریق ریال‌های ارزی به نوعی برای خود ایجاد کارآمدی کرد. توسعه کارآمدی دولت در برهه‌ای ناشی از اجرای سیاست‌های اقتصادی انبساطی و تا حدودی آشفته بوده است؛ مانند همین سیاست اجرای بنگاه‌های زودبازده.»	توسعه کارآمدی دولت
«سیاست اقتصادی در دولت نهم با همه آشفستگی‌های نظری و عملی توانست انگیزه گروه‌های کمتربرخوردار جامعه را برای نقش‌آفرینی بیدار کند. این انگیزه به رشد مشارکت سیاسی انجامید.»	ایجاد انگیزه در گروه‌های کمتربرخوردار
«به نظر من مردم به ویژه طبقات پایین تا پیش از دولت نهم تصور مثبتی از دولت نداشتند زیرا همیشه احساس می‌کردند دولت‌ها بیشتر نماینده طبقات بالاتر هستند ولی در دولت نهم مردمی بودن دولت تا حدی احساس شد.»	مردمی دانستن دولت
«در دوره دولت نهم با پول‌پاشی و افزایش درآمدهای نفتی، کل جامعه احساس کرد وضع اقتصادی بهتری پیدا کرد. به همین نسبت، احساس منزلت اجتماعی ناشی از افزایش رفاه به وجود آمد. این موضوع به ویژه در طبقات پایین بسیار ملموس بود.»	احساس ارتقای مقام و منزلت اجتماعی طبقات پایین توسط دولت
«طبق اصول اقتصادی و اجتماعی، وقتی نیازهای اولیه برآورده شوند مردم تمایل بیشتری به کنشگری پیدا می‌کنند. به نظرم با اجرای این سیاست‌ها و احساس برآورده شدن نیازهای اولیه اقتصادی، مردم تمایل بیشتری به مشارکت در انتخابات دهم نشان دادند.»	برآورده شدن نیازهای اولیه مردم و تمایل به کنشگری
«شعار دولت نهم افزایش خدمت‌رسانی به مردم بود. یکی از بسترهای اجرای این سیاست همین بنگاه‌ها بوده است. این موضوع موجب کشش بیشتر مردم به دولت نهم و دهم شد.»	گسترش خدمت‌رسانی به مردم
«با توجه به گسترش بی‌سابقه درآمدهای ارزی و توزیع پول میان مردم، احساس همدلی بیشتری بین دولت نهم و مردم به وجود آمد. البته این توزیع نامنظم و غیراقتصادی انجام شد ولی در نهایت مردم حس خوبی پیدا کردند و در انتخابات بعدی نیز همین روش را ادامه دادند.»	احساس همدلی مردم با دولت
«در دولت نهم اگر هم هیچ کنش اقتصادی توده‌ای انجام نمی‌شد، سیمای دولت و شعارهای آن برای مردم جذاب بود و مردم ریسک انتخاب آن را می‌کردند. در عین حال، اجرای برنامه‌هایی مانند بنگاه‌ها این سیمای جذاب‌تر نیز کرد و مردم را متمایل به مشارکت در انتخابات بعدی به نفع همین سیاست‌ها کرد.»	جذب سیمای دولت در کنار توجه به خواست توده‌ها

این کدها بعنوان کدهای نهایی در مصاحبه‌ها استخراج و به مرحله اشباع رسیدند. این کدهای اولیه احصا شده از مصاحبه‌ها، در مرحله بعد باید برای ساخت مقوله‌های انتزاعی مورد استفاده قرار گیرند. به این معنی که مفاهیم مشترک بر مبنای مقایسه‌های صورت گرفته بین شباهت‌ها و تفاوت‌های احتمالی در مضامین عمده دسته‌بندی شوند. در این مرحله، کدهای باز اولیه متمرکز می‌شوند و مضامین عمده ساخته می‌شوند. در اینجا دو ساخت یا مضمون اصلی به مرحله انتزاع رسیده‌اند که نزدیکترین گزاره‌ها به فرضیه پژوهش نیز هستند. این موارد در جدول‌های ۹ و ۱۰ آمده‌اند.

جدول ۹. کدهای اولیه و مضمون اصلی

تم (مضمون) اصلی	کد اولیه
بسیج سیاسی (وجه سیاسی)	بسیج توده‌ها
	مشارکت سیاسی
	روی‌آوری به دولت نهم
	گسترش امید به دولت در بین توده‌ها
	برآورده شدن نیازهای اولیه مردم و تمایل به کنشگری
	جذب سیمای دولت در کنار توجه به خواست توده‌ها

جدول ۱۰. کدهای اولیه و مضمون اصلی

تم (مضمون) اصلی	کد اولیه
گسترش احساس عدالت (وجه هنجارین)	عدالت اقتصادی
	افزایش رفاه
	احساس برابری و عدالت
	افزایش رفاه طبقات پائین
	توسعه کارآمدی دولت
	برآورده شدن نیازهای اولیه مردم و تمایل به کنشگری

با توجه به دو مضمون اصلی منتزع شده از کدهای اولیه و تحلیل کدها، فرضیه پژوهش اعتبار و ساخت نظری قوی‌تری می‌یابد. قریب به اتفاق کدهای استخراج شده نشان می‌دهند که افزایش درآمدهای ارزی، اجرای هر چند ناقص سیاست‌هایی مانند بنگاه‌های زودبازده و به طور کلی سیاست‌های اقتصادی دولت نهم علی‌رغم برخی آشفتگی‌های نظری و عملی موجب رشد رفاه نسبی، افزایش تمایل به دولت بویژه در

طبقات پایین، احساس برابری، افزایش مشارکت سیاسی و در نهایت روی آوری مردم به دولت نهم و به تبع آن دولت دهم شده است.

نتیجه‌گیری

هر اقدام (act) اقتصادی می‌تواند متضمن کنش‌های سیاسی باشد. هرگونه استراتژی اقتصادی مبتنی بر ایده‌های چپ و راست دارای پیامدهای خاصی است. نکته مهم اینکه اکثر این ایده‌ها و چارچوب‌های نظری با هدف نزدیک‌تر شدن به مفهوم عدالت صورت می‌پذیرد. هیچ ایده و مرام سیاسی با بسط و گسترش چارچوب‌ها و انگاره‌های اقتصادی مدنظرش، بی‌تردید در پی افزایش بی‌عدالتی نخواهد بود و همیشه گسترش دامنه عدالت از جمله سیاست‌های رسمی محسوب می‌شود. عدالت بعنوان وجه هنجارین علم سیاست در توسعه نهادها و ساختارهای نهادی نقش داشته است؛ اینکه عدالت را چگونه باید اجرا کرد و چه شاخص‌هایی متضمن اجرای عدالت محسوب می‌شوند. در رویکرد توسعه اجتماعی مدنظر جیمز میجلی نقش نهاد دولت بسیار حائز اهمیت است. این نقش در سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد نیز مورد توجه قرار گرفته است. دولت‌ها همچنین برای خود وظیفه تعمیم حوزه‌های عدالت را به صورت ساختاری تدارک دیده‌اند. یکی از اقدام‌های جدی در این راستا، توجه به بنگاه‌های کوچک و متوسط است.

بنگاه‌های کوچک و متوسط و صنایع خرد، سهم ویژه‌ای در توسعه اقتصادی و صنعتی کشورهای توسعه‌یافته و یا در حال توسعه دارند. آن‌ها رکن اصلی بخش خصوصی را تشکیل می‌دهند. موضوع بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط از جمله برنامه‌هایی است که در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تجربه شده و با اجرای صحیح آن افرادی که دارای قدرت خلاقیت، درجه مخاطره‌پذیری بالا و خلاقیت هستند با تکیه بر توانمندی‌های شخصی و دریافت منابع اندک می‌توانند علاوه بر ایجاد کسب‌وکار جدید، برای دیگران نیز شغل ایجاد کنند. فارغ‌التحصیلان و جوانان جویای کار می‌توانند از طریق آموزش‌های مناسب، ایده‌های جدید خود را به بنگاه‌های اقتصادی تبدیل کنند. اهمیت بنگاه‌ها با توجه به نقش بی‌بدیل آنها در رونق اقتصادی، مشارکت بخش‌های مختلف جامعه در آن، توسعه همه‌گیر در مناطق محلی و ترغیب دخالت افراد

جامعه در خُردترین سطح آن در کنش‌های اقتصادی به هزینه اندک و نوآوری در برنامه‌های توسعه‌ای جهانی و البته در برنامه‌های توسعه‌ای ایران بعنوان یک گزاره واجد ارزش پرداخته شده است.

بدیهی است که توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌تواند واجد انواع پیامدهای اقتصادی باشد. در عین حال به چند دلیل این پیامدها می‌توانند در شکلی سیاسی ظهور و بروز یابند از جمله:

- ✓ این بنگاه‌ها بیشتر در بخش‌های محلی و با مشارکت افراد محلی گسترش می‌یابند تا زمینه‌های توسعه محلی را از طریق اشتغال پایدار فراهم آورند؛
- ✓ نهاد دولت کاملاً دارای جهت‌گیری برای از پایین به بالا بودن این فرآیند، مشارکت زنان در آن، توسعه همبستگی و افزایش سرمایه اجتماعی است؛
- ✓ استراتژی این بنگاه‌ها مقابله جدی با فقر و کاهش آن و همچنین مداخله زنان در این فرآیند است. کاهش فقر بویژه در مناطق روستایی و محلی می‌تواند به توسعه مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی افراد بینجامد.

هر چند موانع جدی مانند در نظر نگرفتن روستاهای محروم و حاشیه‌ای و اعطای تسهیلات به روستاهای مرکزی بزرگ، کمبود سهم تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران نسبت به میانگین جهانی (۲۷ درصد نسبت به ۷۰ درصد)، سهم بیشتر بنگاه‌های بزرگ بوری در بلعیدن اعتبارات بانکی و بنگاه‌داری دولت و بانک‌ها بعنوان رقیب بخش خصوصی در قالب بنگاه‌های کوچک و متوسط برای توسعه این راهبرد در ایران وجود دارد اما در مقطعی (ابتدای دولت نهم) ورود موثر نهاد دولت برای توسعه این استراتژی و تزریق منابع مالی برای توسعه بنگاه‌های کوچک واجد پیامدهای سیاسی آشکاری شد که کاهش ضریب جینی بویژه در مناطق روستایی مناطق کمتر توسعه یافته، افزایش احساس عدالت و برابری و در نتیجه افزایش مشارکت سیاسی در این مناطق در انتخابات دور دهم ریاست جمهوری از آن جمله بودند.

به تعبیر دیگر این پژوهش نشان داد که ورود نهاد دولت با ساختارهای مشخص خود به حوزه اقتصاد در جهت ارتقای توسعه اجتماعی از طریق افزایش عدالت و انواع برابری‌های منتج از آن بویژه در مناطق محلی، می‌تواند کنش‌های سیاسی مشخصی را بعنوان پیامدهای عینی موجب شود. می‌توان پذیرفت که دولت به واسطه فعالیت‌های

شفاف، مردمی، فراگیر و منظم اقتصادی خود می‌تواند به فرآیند اجتماع‌سازی بخصوص در حوزه‌های روستایی دست زند و فرآیند انتخابات دموکراتیک را به سود خود تغییر دهد؛ چیزی که در همه سطوح قدرت در جهان از آن بعنوان کارآمدی یاد می‌کنند و کاملاً مشروع و موجه است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Gholamreza Khajehsarvi

Mohammad

Tangestaninejhad



<https://orcid.org/0000-00029967-9695>

منابع

- احمدوند، شجاع، (۱۳۸۸)، «بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب ساندنیستی نیکاراگوئه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۴۴-۷.
- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۸)، «گفتمان عدالت در دولت نهم»، فصلنامه معرفت سیاسی، سال اول، شماره ۲، صص ۲۴۳-۱۹۵.
- بی‌نام، (۱۳۸۴)، «توسعه مالکیت و افزایش ثروت خانوارهای ایرانی»، اتاق بازرگان، شماره ۵، صص ۱۵-۱۰.
- بی‌نام، (۱۳۸۹)، «بنگاه‌های کوچک و متوسط محور توسعه اشتغال»، روزنامه بازار کار، شماره ۵۸۲، ص ۸.
- بی‌نام، (۱۳۹۴)، «گزارش عملکرد دولت‌های نهم، دهم و یازدهم در خصوص مسئله اشتغال و بیکاری»، پژوهشکده سیاست‌پژوهشی و مطالعات راهبردی، آدرس:
<http://hekmat.ac.ir/new/index.php/joomla-pages/366-2016-02-15-13-36-41>.
- بی‌نام، (۱۳۸۶)، «توسعه اقتصادی و اشتغال از طریق بنگاه‌های کوچک و زودبازده اقتصادی و کارآفرین، برنامه و عملکرد دولت نهم»، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، کد موضوعی ۲۲۰، شماره مسلسل ۸۳۲۴.
- توحیدفام، محمد، (۱۳۹۱)، «چرخش در نظریه عدالت جان رالز: از آرمان‌گرایی متافیزیک تا واقع‌گرایی سیاسی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی، شماره ۲۹، صص ۹۵-۱۲۵.

- میریام، شاران بی. و الیزابت جی. تیسدل، (۱۳۹۸)، پژوهش کیفی راهنمای طراحی و کاربست، ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران: سمت.
- حسین‌زاده، هدایت و نصرتی، رضا، (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر طرح توسعه بنگاه‌های کوچک و زودبازده بر ایجاد اشتغال در استان‌های منتخب کشور»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۰۸-۹۱.
- حسینی، سید سعید؛ بهرامی لایق، لایلا و قشمی، سید حسن، (۱۳۹۶)، «رابطه بین توسعه یافتگی اقتصادی استان‌ها با رفتار انتخاباتی مردم در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره سوم، صص ۱۲۵-۱۰۷.
- رحمت‌اللهی، حسین و همکاران، (۱۳۹۵)، «کاهش سرمایه اجتماعی؛ دولت و مشارکت مردم»، فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۳، صص ۴۶۱-۴۳۵.
- رحیمی، علیرضا، کتابی، محمود، (۱۳۹۳)، «گفتمان امنیتی دولت‌های نهم و دهم به مثابه گفتمان قبض و بسط انقلابی جدید»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۷، شماره ۴، صص ۳۱-۶۶.
- علمدار، اسماعیل و همکاران، (۱۳۹۵)، «الگوی فضایی مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری (مطالعه موردی: دهمین و یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری استان خراسان جنوبی)»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۸، شماره ۴، صص ۸۲۹-۸۱۵.
- قهرمان‌پور، رحمان، (۱۳۸۲)، «نظریه هنجاری و چالش‌های پیش روی آن در دنیای جهانی شده»، مجله گفتمان، شماره ۸، صص ۹۳-۶۷.
- مارش، دیوید، استوکر، جری، (۱۳۸۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، چاپ پنجم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۹)، «گزارش توزیع درآمد در خانوارهای شهری و روستایی کشور ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶»، دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری.
- _____ (۱۳۹۵)، «ضریب جینی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴»، دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری.
- مصطفی‌زاده، آرمین، (۱۳۹۴)، «الگوی تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، تحلیلی بر مفهوم و اهمیت تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط»، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، کد موضوعی ۲۲۰، شماره مسلسل ۱۴۳۸۰.
- مهرگان، نادر؛ عزتی، مرتضی، (۱۳۸۵)، «تأثیر متغیرهای اقتصادی بر مشارکت مردم در انتخابات ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره اول، صص ۶۳-۵۱.

- نیلی، فرهاد، (۱۳۹۲)، «تأمین مالی شرکت‌های بورسی»، *اتاق بازرگان*، شماره ۵، صص ۲۳-۷.
- وحدت، داوود، داداشی، علیرضا، (۱۳۸۹)، «نگاهی به طرح حمایت از گسترش بنگاه‌های اقتصادی زودبازده و برخی کاستی‌های اجرای آن»، *فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد*، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۲۷-۱۹.
- هادی زنوز، بهروز، (۱۳۹۵)، «بررسی سند برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۹۹)»، *دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس*، شماره مسلسل ۱۵۱۷۲.

References

- Ahmadvand, Shoja, (2008), "Political Mobilization in Iran's Islamic Revolution and Nicaragua's Sandenist Revolution", *Journal of Political Science*, Year 4, Number 4, pp. 7-44. [In Persian]
- Akhwan Kazemi, Bahram, (2008), "The Discourse of Justice in the Ninth State", *Political Knowledge Quarterly*, Year 1, Number 2, pp. 195-243. [In Persian]
- No Name, (2004), "Development of Ownership and Increase of Wealth of Iranian Households", Chamber of Commerce, Iran Chamber of Commerce and Industries and Mines, No. 5, pp. 10-15. [In Persian]
- No Name, (2014), "Report on the Performance of the 9th, 10th and 11th Governments Regarding the Issue of Employment and Unemployment", *Institute of Policy-Research and Strategic Studies*, Available in: <http://hekmat.ac.ir/new/index.php/joomla-pages/366-2016-02-15-13-36-41>. [In Persian]
- No Name, (2009), "Small and Medium-sized Enterprises Focusing on Employment Development", *Bazar Kar Newspaper*, No. 582, p. 8. [In Persian]
- No Name, (1386), "Economic Development and Employment Through Small and Early Economic Enterprises and Entrepreneurs, Program and Performance of the 9th Government", Office of Economic Studies of Parliament Research's Center, Subject Code 220, Serial Number 8324. [In Persian]

- Tohidfam, Mohammad, (2013), "Turn in John Rawls's Theory of Justice: from Metaphysical Idealism to Political Realism", *International Political Approaches Quarterly*, No. 29, pp. 95-125. [In Persian]
- Miriam, Sharan B. and Elizabeth J. Tisdale, (2018), *Qualitative Research Design and Implementation Guide*, Translated by Alireza Kiamanesh and Maryam Danai Tos, Tehran: SAMT. [In Persian]
- Hossein-zadeh, Hedayat and Nosrati, Reza, (2013), "Investigation of the Effect of the Development Plan of SMEs Enterprises on the Creation of Employment in Selected Provinces of the Country", *Financial and Economic Policy Quarterly*, Second Year, Number 7. pp. 108-91. [In Persian]
- Hosseini, Seyed Saeed; Bahrami Layegh, Leila and Qeshmi, Seyed Hassan, (2016), "The Relationship between the Economic Development of the Provinces and the Electoral Behavior of the People in the 10th Period of the Islamic Council Elections", *Journal of Political Science*, Year 12, Number 3, pp. 107-125. [In Persian]
- Rahmatullahi, Hossein et al., (2015), "Reduction of Social Capital; Government and People's Participation", *Social Capital Management Quarterly*, Volume 3, Number 3, pp. 461-435. [In Persian]
- Rahimi, Alireza, Ketabi, Mahmoud, (2013), "The Security Discourse of the Ninth and Tenth Governments as a Discourse of New Revolutionary Expansion and Abatement", *Strategic Studies Quarterly*, Year 17, Number 4, pp. 31-66. [In Persian]
- Alamdar, Ismail et al., (2016), "Spatial Pattern of Participation in Presidential Elections (Case Study: 10th and 11th Presidential Elections of South Khorasan Province)", *Human Geography Research Quarterly*, Volume 48, Number 4, pp. 829-829 815. [In Persian]
- Ghahramanpour, Rahman, (2002), "Normative Theory and the Challenges Facing it in the Globalized World", *Discourse Magazine*, No. 8, pp. 67-93.

- Marsh, David, Stoker, Gerry, (2008), *Theory and Method in Political Science*, Translated by Amir Mohammad Haji Yousefi, Fifth Edition, Tehran: Research Center for Strategic Studies. [In Persian]
- Statistics Center of Iran, (2009), “Report on the Distribution of Income in Urban and Rural Households of the Country from 1996 to 2006, Office of Population, Labor and Census Statistics. [In Persian]
- Statistics Center of Iran, (2015), “Gini Coefficient for the Years 2014 to 2015”, Bureau of Population, Labor and Census Statistics. [In Persian]
- Mostafa-zadeh, Armin, (2014), “The Financing Pattern of Small and Medium-sized Enterprises, An Analysis of the Concept and Importance of Financing Small and Medium-sized Enterprises”, *Office of Economic Studies of the Parliament Research's Center*, Subject Code 220, Machine Gun Number 14380. [In Persian]
- Mehrgan, Nader; Ezzati, Morteza, (2005), “Effect of Economic Variables on People's Participation in Iran's Elections”, *Economic Research Quarterly*, 6th year, 1st issue, pp. 51-63. [In Persian]
- Nili, Farhad, (2012), “Financing of Stock Companies”, Chamber of Commerce, *Journal of the Chamber of Commerce*, Industries, Mines and Agriculture of Iran No. 5, pp. 7-23. [In Persian]
- Vahdat, Davood, Dadashi, Alireza, (2009), “Looking at the Plan to Support the Expansion of High-yielding Economic Enterprises and some Shortcomings of Its Implementation”, *Specialized Quarterly of Technology Parks and Incubators*, 7th Year, Number 25, pp. 19-27. [In Persian]
- Hadi Zenouz, Behrouz, (2015), “Examination of the Document of the Sixth Economic, Social and Cultural Development Program of the Islamic Republic of Iran (2015-2016)”, *Office of Economic Studies of the Parliament Research's Center*, Serial Number 15172. [In Persian]
- Bateman, M, (2010), *Why Doesn't Microfinance Work: The Destructive Rise of Local Neoliberalism*, New York: Zed Books.
- Ho, T. & Lee, S, (2004), *The Oxford Guide to Financial Modeling*, Oxford University Press, Inc.

- No Name, (2017), Data and Report, Microenterprise Loan (Cumulative), Monthly Report: 2017-11 ISSUE 455 IN BDT.
- Livermore, M, (1996), Social Work, "Social Development and Microenterprises: Techniques and Issues for Implementation", *Journal of Applied Social Sciences*, 21 (1), 37-46.
- Midgley, J, (2008), "Microenterprise, Global Poverty and Social Development", *International Social Work*, 51 (4), 467-479.
- _____, (2015), *Social Development: Theory and Practice*, London: Sage.

